



به یاد یاران - شعر (صفحه ۱۰)

خاطرات ترزا نوچه

صفحه آخر

نگاهی گذرا به پیدایش فاشیسم در ایتالیا

صفحه آخر

پیام تشکلهای کارگری و بازنشستگان

صفحه آخر

به پشتیبانی از جنبش اعتصابی کارگران نفت

موج نوین اعتصابات کارگری و حمایت دیگر تشکلهای کارگری از آن، اعلام همبستگی سازمانهای دانشجویی از سراسر ایران با تاکید آنها که ما فرزندان کارگرانیم، همبستگی جنبش بازنشستگان با اعتصاب کنندگان، کارگرانی که در حساسترین صنایع نفت و فولاد مشغولند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رژیم جمهوری اسلامی چگونه به آن برخورد خواهد کرد؟ باز هم مثل گذشته دست به توطئه و سرکوب خواهد زد؟ ناتوانی حاکمیت بورژوازی ایران با پوشش‌های سلطنت و ولایت فقیه گواهی است بر ماهیت استثمارگرانه شدید و چند لایه‌ای نظام سرمایه‌داری نئولیبرالیستی که اکثریت تولید کنندگان را فقیرتر و مشتکی کوچک جامعه را هرچه غنی‌تر می‌کند و

صفحه ۲

نسل کشی در فلسطین بخشودنی نیست

که به کشته شدن صدها نفر انجامید. تا به حال آمار کشته شدگان در نوار غزه تا روز ۲۱ نوامبر ۲۰۲۳ که اداره بهداشت غزه اعلام کرد بیمارستان شفا توسط ارتش اسرائیل با کشت و کشتار اشغال شده و درگیری و بمباران اطراف بیمارستان های دیگر ادامه دارد، بدین قرار ۱۳۵۰۰ نفر جانباختند که از این آمار ۵۳۰۰ کودک و ۳۵۰۰ نفر زن هستند. زخمی‌ها ۳۰۰۰۰ نفر و مفقودین ۶۰۰۰ نفر.

از ۱۰ نوامبر جنگ شدیدی بین نیروهای حماس و ارتش اسرائیل در شمال غزه جریان داشته است که بسیاری از خانه‌ها در منطقه ویران و تعداد زیادی کشته شده‌اند. اسرائیل همچنان اردوگاه پناهندگان فلسطینی را که از زمین‌های خود بیرون رانده شده و جای آنرا شهرک سازی یهودی نشین‌ها گرفته

صفحه ۲

درگیری نظامی در مناطق اشغالی فلسطین بیش از یک ماه است که ادامه دارد، طی این مدت بارها نهادهای مختلف سازمان ملل و دولت‌های منطقه تلاش کرده است که دولت اسرائیل را به آتش بس و برداشتن محاصره اقتصادی و باز کردن شیرهای آب و رساندن مواد غذایی و انرژی به ۲ میلیون نفر در غزه وادار کند. اما اسرائیل با پشتیبانی امپریالیست‌های اروپایی و آمریکا همچنان به بمباران غزه و ویران کردن خانه‌های مردم بر سرشان، مدارس و بیمارستان‌ها ادامه می‌دهد. علاوه بر آن اسرائیل پا را مانند گذشته از قوانین بین‌المللی فراتر گذاشته و مردم را مجبور به تخلیه خانه‌هایشان و کوچاندن آنها به جنوب غزه کرده است. اسرائیل با اینکه جنوب غزه را مکان امن از بمباران‌ها اعلام کرده بود؛ اما بارها جنوب غزه را بمباران کرد

جهنمی که سرمایه‌داری برای بشریت درست کرده است

جهنمی که سرمایه‌داری برای بشریت درست کرده است. قدم به قدم مرزهای شناخته شده در خشونت و بربریت ضد انسانی را، درهم نوردیده است. به چند نمونه توجه کنید. مردم غزه در پیش چشم‌های جهان "متمدن" زیر بمباران وحشیانه ارتش صهیونیستی تکه و پاره می‌شوند و دولت‌هایی که به خود نام جامعه جهانی گذاشته‌اند نه تنها حاضر به توقف این وحشیگری عربان نشده‌اند. بلکه حتی آنرا به تمامی محکوم هم نکردند و با هر اشاره‌ای به نسل کشی دولت اسرائیل با اما و اگرها، جنایت‌های اسرائیل را لاپوشانی کردند کودکان و زنان بیشترین کشته و زخمی شدگان این بمباران بی وقفه هستند. ارتش اسرائیل همچون گذشته با چشم پوشی از قوانین جهانی به بیمارستان‌ها و مراکز

صفحه ۴

زیستگاهی مشترک، طبقاتی متخاصم بر سر دو راهی. چه باید کرد؟

که ملی‌گرایی فاشیستی آلمان جنگ دومی را این بار با هدف نابودی کشور شورواها با سرعت تدارک دید. شوروی سوسیالیستی با ۲۴ میلیون قربانی، پرچم سرخ را بر بلندترین ساختمان باقی مانده برلین بر افراشت اما امپریالیسم آمریکا برای نشان دادن دندان تیزش، از سلاح اتمی در هیروشیما و ناکازاکی و کشتن و زخمی کردن صدها هزار نفر مردم غیر نظامی، برای اینکه خود را به عنوان برنده جنگ و ابرقدرت جهانی عرضه کند در حالی که ژاپن در کلیه جبهه‌ها شکست خورده بود استفاده کرد. بدین ترتیب نمایندگان سرمایه با بی شعوری دیوانه‌واری که روی نمایندگان خونخوار و مستبد نظام‌های برده‌داری و فئودالی را در شقاوت و آدم کشی سفید کرده‌اند قرن خونین بیستم را قرن آمریکا

صفحه ۳

از تغییرات بزرگ در حال شدن، غوغایی در جهان برپاست. دو عامل مخرب و تهدید کننده: شکاف هر روز بیشتر طبقاتی در جوامع سرمایه‌داری و خطر جدی فرو پاشی محیط زیست و نابودی کره زمین چنان بعد عظیمی به خود گرفته که چاره اندیشی را برای حل مشکلات بشریت بسیار سخت کرده است. سرمایه‌داری در روند گسترش خود در آغاز راه نسل کشی مردمان بومی، برده‌داری و سیاست استعماری را در پیش گرفت و چون از غارت این سرزمین‌ها و استثمار نیروی کار آنها با تمرکز سرمایه فربه شد انحصارات عظیم مالی پا به میدان رقابت‌های جهانی گذاشتند و مرحله امپریالیستی با جنگ‌های خانمان سوز برای تقسیم مجدد جهان بین آنها پروبال گسترده. هنوز خرابه‌های جنگ اول باز سازی نشده بود



نسل کشی در فلسطین پیش از صحنه ۱

است، بمباران کرده‌اند. آمار کشته شدگان و زخمی‌ها دقیقه به دقیقه بالا می‌رود. بیش از نیمی از بیمارستان‌های غزه بعلت تهدیدات اسرائیل و نیز نداشتن سوخت و برق و دارو و غذا بمباران و درگیری در اطرافشان تعطیل شده است صهیونیست‌های اسرائیلی جهنمی از خون و بمب و گلوله و ویرانی بوجود آورده‌اند تا با فشار به مردم آنها را به خارج از اسرائیل یعنی مصر و اردن بیرون برانند. اما مصر و اردن که این سیاست را فهمیده‌اند اسرائیل را تهدید کرده‌اند که ادامه وضعیت فوق به جنگ کشیده خواهد شد. اما گوش جنایتکاران اسرائیلی به این تهدیدها بدهکار نبوده و آنها همچنان به کشتار مردم فلسطین در نوار غزه ادامه می‌دهند.

از ۷ اکتبر که حماس به شهرک‌های اسرائیلی حمله کرد تاکنون ۱۴۰۰ اسرائیلی کشته شده است. اسرائیل همچنان به بمباران و کشتار مردم و خراب کردن خانه‌هایشان ادامه می‌دهد. زمانی که این حمله انجام شد، مردم جهان حمله به مردم غیر مسلح را محکوم کردند. اما وضع کنونی ناشی از یک سیاست و یک حزب نیست این جنگی است که از ۷۵ سال پیش با حمله گروه‌های صهیونیست به مردم عرب فلسطین در جهت بیرون راندن آنها از سرزمین شان آغاز شد. در این مدت جنبش فلسطین سازمان‌های سیاسی مختلفی بخود دیده است. اما موضوع و هدف این جنبش یعنی بازگرداندن سرزمین فلسطین به مردمش همچنان پایدار مانده است. ما از جنبش انقلابی فلسطین جهت احقاق حقوق مردم فلسطین و اتحاد کارگران و زحمتکشان یهودیان و اعراب ساکن فلسطین حمایت می‌کنیم. حماس بعلت ماهیت ارتجاعی قادر به تحقق اهداف جنبش فلسطین در جهت رهایی مردم فلسطین و رسیدن به عدالت اجتماعی نیست. اما این موضوع به هیچ وجه باعث محکوم نکردن جنایات ارتش اشغالگر اسرائیل علیه مردم بی دفاع فلسطین نمی‌شود.

نسل کشی اخیر در فلسطین تمامی مردم جهان از دولت‌ها گرفته تا مردم کوچه و بازار را مجبور به موضع‌گیری کرده است. عده‌ای به دفاع بدون قید و شرط از حماس در حمله به اسرائیل برخاسته‌اند و اسرائیل را بعلت سیاست‌های اشغالگرانه و جنایتکارانه‌اش محکوم می‌کنند. گروهی که عمدتاً در ایران سلطنت طلبان را شامل می‌شوند به توجیه‌گر سیاست‌های جنایتبار و اشغالگرانه

اسرائیل و ایذا آمریکا بخاطر حمله ۷ اکتبر حماس به شهرک‌های یهودی نشین تبدیل شده‌اند. اکثر نیروهای چپ و کمونیست در عین محکوم کردن حماس در حمله به غیر نظامیان یهودی، نسل کشی ملت فلسطین توسط دولت اسرائیل را محکوم کرده و خواهان توقف فوری جنگ و برقراری آتش بس هستند.

اما جدا از این جدال‌ها، مردم انسان دوست جهان که از جنگ و کشت و کشتار توسط امپریالیست‌ها و دولت‌های مرتجع به تنگ آمده‌اند در سطح میلیونی به خیابان‌ها آمده‌اند تا صدای مردم فلسطین علیه جنایت و نسل کشی باشند. تظاهرات گسترده و وسیع جهانی که هر روزه جریان دارد در چند دهه اخیر بی سابقه است. تظاهرات میلیونی مردم جهان نشان از آمادگی جهانی برای یک مبارزه رو در رو با سرمایه‌داری و امپریالیسم است. جهان بطرف تقابلات شدیدتر اجتماعی بین حاکمین و محکومین پیش می‌رود. مردمی که از ستم و استثمار و تحقیر و دروغ‌گویی رهبران جهان به تنگ آمده‌اند به خیابان‌ها آمده‌اند تا به تجاوز و دخالت‌گری، به نابرابری و بربریت، نه بگویند.

دولت‌های جهان هم مواضع مختلفی اتخاذ کردند. روسیه و چین جلوی قطعنامه‌هایی که آمریکا در جهت توجیه اسرائیل برای ادامه جنایت علیه مردم فلسطین پیشنهاد کرده بود را گرفتند و متقابلاً آمریکا و اتحادیه اروپا جلوی قطعنامه روسیه و برزیل را که آتش بس فوری را پیشنهاد می‌داد گرفتند و نشان دادند که سازمان ملل وقتی که تنش‌های جهانی رشد می‌کند بسیار ضعیف عمل می‌کند و قادر به تأثیر گذاری جدی در اوضاع بین‌المللی نیست. با اینکه آقای گوتشر در اعتراض به رفتار اسرائیل خواهان آتش بس فوری انسان دوستانه شد؛ اسرائیل با رفتار قلدرمنشانه خواهان استعفا گوتشر شد. اگر در گذشته دولت آفریقای جنوبی سیاست رسمی آپارتاید را بطور علنی و آشکار بیان نمی‌کرد ولی رهبران اسرائیل با حیوان خواندن و نسل کشی فلسطین، از خطوط ضد انسانی آپارتاید هم بسیار فراتر رفته‌اند.

برعکس آنچه مدباهای مزد بگیر سرمایه‌داری تبلیغ می‌کنند جنگ امروز در فلسطین جنگی بین حماس و اسرائیل نیست در عین اینکه طرف‌های درگیری جنگ در این مقطع حماس و دولت اسرائیل هستند. ولی این جنگ در ۷۵ سال گذشته بطور بی وقفه‌ای ادامه داشته است. بر طبق تحقیقات سازمان‌های حقوق بشری در جهان فقط در ماه قبل از ۷ اکتبر بیش از ۵۹ فلسطینی در طی یک ماه کشته

و بیش از دهها خانه توسط اسرائیل ویران شده بود. روند فوق با محاصر غزه که ۱۷ سال است ادامه دارد بدتر شده است.

ابعاد جهانی که نسل کشی صهیونیست‌ها پیدا کرده است، چهره سالوسانه و فریبکار مدافعان حقوق بشر و دمکراسی که تا به حال گوش فلک را کر کرده بود به نمایش گذاشت. در عین حال جنبش فلسطین بیش از پیش چهره جهانی به خود گرفته و جواب و حل مسائل جنبش فلسطین نیز جنبه جهانی به خود گرفته است. در طی مدتی که دولت اسرائیل تشکیل شده است، اشغال سرزمین‌های فلسطینیان و آوارگی آنان به یکی از کشمکش‌های جهانی و منطقه‌ای بین کشورهای عربی و نیز کشورهای متروپل سرمایه‌داری تبدیل شده است. درگیری اخیر و ورود ناوگان آمریکا و دفاع رسمی و علنی کشورهای غربی از کشتار فلسطینیان این جنبه جهانی آنرا بطور روشنی نشان داد. تمامی عوامل دیگری که بر این جنگ تأثیر می‌گذارند و این جنگ بر آنها تأثیر خواهد گذاشت مانند پیمان ابراهیم و یا صلح در بین کشورهای خاورمیانه، در زیر مجموعه رقابت بلوک‌های قدرت جهانی و بویژه اتحادیه اروپا و آمریکا است. بیرحمی و شقاوت بیش از حد اسرائیل و صراحت کلام وقیحانه رهبران کشورهای "دمکراتیک" غربی ناشی از شدت تضادهای جهانی فوق است. سیاست صهیونیست‌ها با داستان‌های مذهبی ارض موعود و بازگشت به آن با سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیست‌های غربی در جهت تداوم اشغالگری دولت اسرائیل و تجاوز به دیگر کشورهای خاورمیانه همخوانی دارد. به همین دلیل دولت اسرائیل به هیچکدام از قطعنامه‌های سازمان ملل بعلت پشتیبانی آنها وقعی نمی‌گذارد. جنگ و تجاوز، اشغالگری، براه انداختن جنگ‌های منطقه‌ای و نیابتی در خدمت سود و غارت کشورها و کمیانی‌های فراملی امپریالیستی و دولت‌های مرتجع جهان است.

بروشنی می‌توان دریافت که اکثر مسائل و تشنجات بین‌المللی که تا به حال حل نشده است، به ساختارها و صف بندی‌های داخلی و بین‌المللی بستگی داشته و دارد. به همین دلیل مسئله فلسطین هم بدون تغییرات وسیع منطقه‌ای و بین‌المللی که باعث شود قلدر منشی و تجاوزگری امپریالیست در سطح بین‌المللی متوقف شود، حل نخواهد شد. پیدایش کشور اسرائیل و نیز پا گرفتن حماس و نیروهای مرتجع مذهبی از رقابت‌ها و کشاکش‌های بین‌المللی نشأت گرفته است که سرمایه‌داری همانطور که گفته شد بیشترین سود را عاید خود کرده است. با توجه به آن



زیستگاهی مشترك، ... بقیه از صفحه ۱

نامیدند و برای ادامه تسلط بر جهان همچنان تا به امروز در تلاش‌اند. پرسش اینجاست چرا پرولتاریا، این گورکنان سرمایه‌داری و کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های متعلق به این طبقه نتوانستند جلو این روند ویران‌گرایانه بورژوازی را بگیرند؟ چرا کارگران و توده‌ها که نقش تعیین‌کننده‌ای در درهم شکستن قدرت جنگی عظیم آلمان و ایتالیا در اروپا و ژاپن در آسیا ایفا کردند، نتوانستند جلو خیزش گرایش راست فاشیستی را در همان آغاز بگیرند؟ و چرا سرمایه‌داری توانست نه تنها بر خرابه‌های جنگ؛ نظام مدرن‌تری را بنا نهد بلکه آنچه را که پرولتاریا حفظ کرده بود را با تحمیل جنگ سرد به بشریت با بازسازی اقتصاد آلمان، ایتالیا و ژاپن، با ایجاد کشوری سرپا مسلح همچون اسرائیل در قلب خاورمیانه و سرکوب هرگونه گرایش استقلال طلبی، آزادی خواهی و انقلابی توانست امپراتوری ابر قدرت بلامنازع جهانی را با هشتصد پایگاه نظامی در سراسر جهان مستقر سازد؟

کجا رفت آن شور و شوق انقلابی عظیم در پشتیبانی از انقلاب عظیم پرولتاریایی فرهنگی چین و مبارزات مردم ویتنام در برابر تجاوز امپریالیسم آمریکا با همراهی جنبشی در برگزیده کشورهای سه قاره آسیا، آفریقا و آمریکا ی لاتین زیر شعار "کشورها استقلال، خلق‌ها آزادی و توده‌ها انقلاب می خواهند"؟ چین با نقد انقلاب فرهنگی راه اصلاحات را در پیش گرفت و درها را به روی سرمایه‌های انحصاری جهان باز کرد تا آنجا در این راه پیش رفت که این عقب نشینی در برابر سرمایه جهانی را مهر سرمایه داری زدند. کشورها مستقل شدند، اما یوغ بردگی آنها به سرمایه جهانی محکم باقی ماند. خلق‌ها آزادی بدست آوردند اما زودگذر بود و دیری نپائید که سرکوبگران با یاری سرمایه جهانی کلیه دستاوردهای جنبش‌های آزادیخواهانه را باز پس گرفتند. کافی است به سرنوشت سه کشور مهم جنبش غیر متعهددها یوگسلاوی در اروپا، مصر در آفریقا و اندونزی در آسیا نگاهی کنیم تا به نقش مخرب امپریالیسم در این چند دهه اخیر عمیق‌تر پی ببریم. امروز دیگر کشوری بنام یوگسلاوی روی نقشه جغرافیا موجود نیست. بمب افکن‌های ارتش آمریکا نقشه تجزیه آنرا به اجرا در آورد. در مصر بزرگترین جنبش‌های اصیل توده‌ای علیه سلطه طولانی رئیس جمهور فاسد و ضد مردمی با خدعه و پشتیبانی آمریکا بار

را دامن زده است

ناچیز شدن سبد مصرفی حتا طبقه متوسط و عملاً خالی شدن آن برای زحمتکشان و بازنشستگان

بی مسکنی و رشد نجومی اجاره خانه‌ها وضع بهداشت عمومی و ناتوانی اکثریت مردم برای رجوع به پزشکی و خرید دارو تخریب محیط زیست

بیشتر شدن شکاف طبقاتی میان اکثریت عظیم مردم و مشتی کوچک صاحبان سرمایه و بوروکرات‌های دینی، نظامی و اداری سرپا غرق فساد و اهل زدوبند و رشوه خواری براین اوضاع باید سیاست تحریم‌های حداکثری امپریالیسم آمریکا را هم افزود که به نوبه خود برای باج‌گیری بیشتر از حاکمیت بکار گرفته شده است.

این وضع تازگی ندارد؛ گرایشی است مستمر و طولانی، هر دو جناح حکومتی و کل نظام در ایجاد آن دست دارند و بحرانی ساختاری سیاسی و اجتماعی را بوجود آورده که تنها به دست اکثریت عظیم مردم ستمدیده و استثمار شونده با اقدامی انقلابی و از پائین میتوان از سقوط کامل جامعه جلو گرفت. آیا بار دیگر پاسخ اعتصاب کنندگان را حاکمیت با گلوله خواهد داد؟

اعتصابات کنونی بر بستر چنین شرایط اجتماعی قرار گرفته است. اعتصاب کنندگان آگاهند که میلیون‌ها زحمتکش پشت و پناهشان هستند. آیا نماینده سرمایه‌داری حاکم از ترس اینکه سراسری شود بازم نیروی مسلح خود را برای سرکوب کارگران خواهد فرستاد یا در برابر خواست‌های حق طلبانه کارگران گامی پیش خواهد گذاشت؟ حزب رنجبران ایران از اعتصاب کارگران صنایع نفت و فولاد و پرستاران با تمام نیرو پشتیبانی می‌کند. منطق رژیم جمهوری در برخورد به کارگران و حامیان آنها در این سال‌های طولانی خدعه، توطئه و بکار بردن زور بوده است اکنون هم از این حاکمیت انتظار دیگری نمی‌توان داشت اما با توجه به بحرانی که در آن گرفتار است با پافشاری در ادامه اعتصاب، پیوستن دیگر کارگران به آنها و جلب پشتیبانی نیروهای دیگر زمینه را برای پیروزی کارگران فراهم می‌سازد.

به پشتیبانی از جنبش اعتصابی کارگران نفت و فولاد برخیزیم

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

سوسیالیسم تنها جواب به بحران کنونی جامعه ایران است

حزب رنجبران ایران

حضور حماس خود ناشی از افسار گسیختگی سرکوب مردم فلسطین در عین حال نشان از عقب نشینی نیروهای انقلابی در جنبش فلسطین هم هست. عقب نشینی اسرائیل از سر زمین‌های اشغالی و ایجاد کشور مستقل فلسطین شرایطی را فراهم خواهد آورد که ملت فلسطین براساس توازن نیروهای طبقاتی درونی خود، بدون سرکوب ملی در رابطه با مسئله حماس و حکومت خود گردان در رام الله تصمیم بگیرند. اما وضعیت کنونی که با حوادث اخیر به دشمنی صهیونیست‌ها با فلسطینیان شدت بخشیده و فاصله ملت و زحمتکشان عرب با یهودیان را بیشتر کرده است باعث شده است که دشمنان هر دو چه اعراب و چه یهودیان بتوانند به نفرت ملی، طبقاتی دامن زده و سمت و سوی مبارزه هر دو ملت علیه ستم و استثمار سرمایه‌داری را تغییر داده و آنرا بسود نیروهای مرتجع‌مانند حماس و صهیونیست‌های متعصب یهودی سوق دهند. آنچه که تاریخا باعث از بین رفتن حماس خواهد شد نه سرکوب نظامی اسرائیل بلکه عقب نشینی اسرائیل از سر زمین‌های اشغالی و آزاد گذاشتن مردم فلسطین برای تصمیم‌گیری بر سرنوشت خود است. در صورت تحقق این امر دولت اسرائیل هم دیگر نخواهد توانست با سوء استفاده از موضوع جنبش فلسطین مردم خود را به صورت ذخیره، ارتشی سرکوبگر نگه دارد. و یهودیان بدون فشار و تعصب نژادی و مذهبی قادر خواهند شد مبارزه با دولت خود را در جهت رهایی و نیز متحد شدن با زحمتکشان دیگر ملیت‌ها و اتنیکی بهتر جلو ببرند.

ایجاد دو دولت اسرائیل و فلسطین حق ملل برای تعیین سرنوشت ملت فلسطین مرگ بر امپریالیسم زنده باد وحدت کارگران و زحمتکشان جهان

ع ع

به پشتیبانی از جنبش ... بقیه از صفحه ۱

زیستگاه انسان‌ها را چنان تخریب می‌کند که دانشمندان جهان آژیر خطر نابودی کره زمین را به صدا در آورده‌اند. این موج نوین اعتصاب در جامعه‌ای در جریان است که بحران اقتصادی آن نه تنها ساختاریست بلکه یکی از بحرانی‌ترین‌هاست:

نرخ تورم، رکورد جهانی را دارد
بیکاری و رکود اقتصادی توأم با تورم، قشونی میلیونی از حاشیه نشینان تولید کرده است
گرایش تند افزایش دایمی جمعیت زیر فقر
وزیر فقر مطلق، خوف و ترس فروپاشی جامعه

ویرانی محیط زیست یکی از پیامدهای سرمایه‌داری است



دیگر به یک نظامی دست نشانده سپرده شد. در اندونزی حمام خونینی را پس از کودتای آمریکایی تا حد کشتار جمعی بالای سه میلیون نفر طرفداران حزب کمونیست را به اجرا در آوردند. براین تراژدی باید سرنوشت انقلاب ایران را هم اضافه کرد که علاوه بر کشتار عمومی دگر اندیشان با پیاده کردن سیاست اقتصادی نئولیبرالیستی جامعه ایران را به لبه پرتگاه سقوط کشانده‌اند. پاسخ به تاریخ و جمع‌بندی درست از این روند تعرضی سرمایه و امپریالیسم، عقب نشینی نیروهای کارگری و مترقی جهان و سلطه رویزیونیست‌ها در اتحاد شوروی و تسخیر قدرت سرمایه داری در آنجا یکی از مهمترین وظایفی است که به عهده کنونی انقلابیون پرولتری است.

*

تاریخ واقعی جوامع طبقاتی گواهی می‌دهد که نه تنها طبقات، مبارزه طبقاتی و در شرایط معینی طبقه‌های طبقه دیگر را سرنگون کرده و دیکتاتوری خود را به جایش می‌نشانند بلکه امکان بازگشت طبقه شکست خورده به قدرت موجود است. این امر در قرن بیستم در اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد البته قدرت نه به نماینده تزاریسم روس بلکه به دست نمایندگان سرمایه جهانی با ویژگی‌های روسیه آزرمان افتاد. نکته برجسته‌تری هم این تاریخ مبارزه طبقاتی گواهی می‌دهد که هرچه نیروهای مولده رشد کرده دستگاه اداری - نظامی حکومت‌های طبقاتی گسترش بیشتری یافته است و در دوران امپریالیسم گرایش سرمایه از مرز انحصارگری می‌گذرد به گرایش تک ابرقدرتی میرسد که قدرت دولتی آن سراسری و در اقصی نقاط کره زمین گسترش یافته است در نتیجه امر براندازی طبقه حاکم بدست طبقه محکوم را بسیار سخت‌تر کرده است. این امر بخصوص برای مبارزه طبقه کارگر که برنامه سیاسی آن در دید نهایی براندازی کل نظام طبقاتی است بسیار سخت‌تر شده است. باید ویژگی دیگری هم به طبقه بورژوازی اضافه کرد که اژدهای چند سره است و در زمان‌های بحران ساختاری می‌تواند برای حفظ سلطه طبقاتی خود به نمایندگان افراطی بی شعور راست که در آب نمک خوابانده رجوع کند. که ما بار دیگر اکنون شاهد رشد گرایش راست فاشیستی در کلیه کشورهای سرمایه‌داری هستیم.

اما کلیه طبقاتی که تابحال بر اساس مالکیت خصوصی بر ابزار تولید در جوامع با ویژگی‌های خود بوجود آمده از آنجاکه متعلق به مشتی کوچک بوده‌اند دیکتاتوری خود را با زور و سرکوب و جنگ اعمال کرده‌اند. و هیچ‌گاه نتوانسته‌اند به پایه‌ای‌ترین نیازمندی‌های

بشریت پاسخ دهند. آخریش که طبقه بورژوازی است و با پرچم علم و شعار آزادی و برادری به میدان آمد در عمل معلوم شد با چراغ آمده بود تا کالای بیشتری برد، نظامی را در جهان مستقر کرد که نه تنها در روند تاریخی از نیازمندی به آزادی پیشرفتی حاصل نشد بلکه خودبیبگانی را در جامعه بشری گسترش داده و بشریت را به لبه پرتگاه نابودی و تخریب کامل محیط زیست کشانده است. خوشبختی بشریت امروز، در دوران سرمایه‌داری در اینست که در آن دوران باستانی پیامبران چون پاسخی به گرفتاری‌های توده‌های ستمدیده نداشتند، در خدمت به ادامه سلطه گران، آنها را به زندگی بهتری پس از مرگ حواله می‌دادند اما در دوران ما دانشمند و انقلابی بزرگی چون مارکس پا به صحنه مبارزه گذارد که با استفاده از علم تاریخ و شیوه اندیشیدن دیالکتیکی مادی‌گری توانست همه جانبه نقش تولید سرمایه‌داری را نقادانه بررسی کند و مکانیسم درونی نظام سرمایه‌داری را در گرایش به سود بیشتر، انباشت سرمایه، استثمار هر چه شدیدتر مزدبگیران و تخریب طبیعت را بیان کند. و موکدا یادآور شود که این مکانیسم بحران ساز است و نه تنها رفاه و آزادی برای بشریت به همراه نمی‌آورد بلکه چرک و خون از پنجه‌هایش می‌چکد. او تا بدین جا بسنده نکرد، آگاه به اهمیت سازماندهی برای مبارزه با خطری که این اژدها چند سر برای بشریت بوجود آورده، راه نجات را هم با وضوح بیان نمود و میز مطالعه را در موزه بریتانیا ترک کرد و به سازماندهی پرداخت. برای کمک به کارگران پیشرو جهت ایجاد حزب کمونیست نه تنها منشور آنرا با همراهی انگلس نوشت بلکه تا آخر عمر برای ایجاد چنین حزبی که به تئوری و جهانی‌سازی کمونیسم مسلح باشد و جزوی از جنبش کارگری و همراه دیگر احزاب کارگری برای رهائی کل بشریت مبارزه کند، تلاش کرد. مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست تاکید کردند طبقه کارگر هنگامی آزاد میشود که کل نظام طبقاتی از ریشه کنده شود و کل بشریت آزاد گردد و یاد آور شدند کارگران که سازمانده، تعیین کننده در چرخش بنیادی تولید و توزیع‌اند و استثمار و ستم روزانه را مستقیم حس می‌کنند، مساعدترین نیروی اجتماعی‌اند که با پاره کردن زنجیرهایشان می‌توانند به این دایره منحوس تاریخ ستمگری نقطه پایان گذارند و به چه باید کرد زمانه و عصر هرج و مرج ایجاد شده از بحران ساختاری سرمایه پاسخ دهند. این آموزش‌ها همچنان راستینند، مشکل آنجاست که سرمایه‌داری یک جانور زنده چند

سر است، دائمی در حال نوسازی و تغییر است و در روند تغییرات بزرگترین ماشین نظامی و اداری را برای ابدی کردن سلطه خود بوجود آورده است. ما باید با چشمان باز به اوضاع نگاه کنیم و بیاموزیم که اوضاع دائمی در تغییر است و برای پاسخ درست دادن به پرسش چه باید کرد در هر زمان و مکان لازم است اصول را چون سلاح یابنده بکار گیریم، با حرکت از واقعیات به جستجوی حقیقت پردازیم. چنانچه خوب به پراتیک جنبش کارگری و کمونیستی جهان نظر افکنیم؛ آنجایی موفق شده که توانسته مارکسیسم را با شرایط مشخص تلفیق دهد. در ایران همه داستان گره خوره جوانان در خیابان‌ها که بی هراس از مرگ به مصاف دشمنان بر می‌خیزند، احتیاج به زنان و جوانان کارگری دارند که در دنیای دیجیتال و هوش مصنوعی امروز، در جستجوی راه‌های مشخصی منطبق با شرایط ایران و خواست‌های اکثریت عظیم مردم، با اتکا به نیروی خود و استقلال اندیشه به ادامه دهندگان راه گلگون شده جنبش کارگری بیبوندند و پاسخ‌های درخور عملی روز را به مشکلات کنونی سازماندهی توده‌ها دهند. بگذارید اشاره ای به سهم طبقه کارگر ایران در این روند تاریخی رهایی کنیم:

پیشروان طبقه کارگر ایران در همان مراحل اولیه شکل‌گیری طبقه که پیوندی مستقیم با کارگران روسیه در مناطق صنعتی داشتند با حرکت از آموزش‌های لنین به ایجاد حزب سیاسی پیشرو خود پرداختند و بنام بلشویک‌های ایرانی در عمل طبقه کارگر ایران را به عنوان یک آلترناتیو اجتماعی - سیاسی با برنامه و سازمان دهی با هدف ایجاد جامعه نوینی در سر زمین پر برکت و پهناور با مردمانی با فرهنگ دیرینه انسان دوستی بنا نهادند. این یک ارزیابی تاریخی با ارزشی است که در این صد سال گذشته بر سر آن در درون جنبش کارگری ایران جدالی نا ایستا ادامه یافته است و امروز هم همچنان ادامه دارد. تجربه نشان می‌دهد که نظریه آنها در ایجاد حزب کمونیست ایران کاملن بر اساس ضرورت داشتن چنین حزبی برای طبقه کارگر بوده است. از این زمان طبقه کارگر و کمونیست‌های ایران در برابر طبقات ارتجاعی و سرمایه‌داری و کشورهای امپریالیستی حامیان آنها به مبارزه خود ادامه داده‌اند.

با خیزش کارگران و فرودستان پیروزی انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ در روسیه کشوری در همسایگی و با سابقه تجاوزگری و سلطه‌گری به ایران، عقاید پیشرفته‌هایی به ایران آمد. کارگران مهاجر ایرانی در منطقه قفقاز در این زمینه نقش برجسته‌ای داشتند چون با شرکت فعال در جنبش کارگری روسیه



حاکمیتی که خود در آن نقش داشته باشیم، مشورت و تبادل نظر کنیم و خود در اجرایی کردن آن دخالت گر باشیم. حاکمیتی که هیچ کسی در حاشیه آن نیست، بلکه تمامی آحاد افراد جامعه از تمام طبقات و اقشار جامعه، با هر اندیشه و عقیده ای، خارج از ملیت، نژاد و جنسیت، مذهب و هر زبانی، در اداره کشور و سرنوشت آن دخالتگر، تصمیم گیرنده و اجرا کننده می توانند باشند. جامعه ای که هیچ کس در حاشیه نیست، و تمام امتیازات ویژه ای که مبنای تبعیض آمیز را دارند را بی معنی خواهد کرد. در آترناتیو کارگران، تمامی آحاد افراد جامعه با برخورداری از تمامی امکانات در راستای تسهیل شرکت و دخالتگری در تعیین سرنوشت و نیازهای جامعه و با حضور جمعی، اداره و مدیریت شورایی را امکان پذیر می کند.

موقعیت جغرافیایی ایران، رقابت قدرتهای استعماری و امپریالیستی برای سلطه بر آن و وجود نفت و گاز فراوان، به مبارزه طبقاتی در ایران سیمای بغرنجی را از همان آغاز فعالیت‌های کارگری تحمیل کرده است. در مسیر همین صد ساله یکی از اختلافات بر سر ارزیابی از رژیم رضا شاه و سپس محمد رضا شاه و در چهار دهه اخیر جمهوری اسلامی در میان نیروهایی که خود را در اردوی کارگری می دانند جریان داشته است. انقلاب اکتبر هنگامی که کارگران اروپا بویژه آلمان نتوانستند از قیام‌های انقلابی خود در همراهی با انقلاب اکتبر پیروز بیرون آیند، رو به شرق کرد تا زمینه‌های اساسی قدرت یابی سرمایه جهانی امپریالیستی را در مستعمرات با پیوند جنبش سوسیالیستی و جنبش‌های ضد استعماری و ضد امپریالیستی مورد حمله قرار دهد. این روند تاریخی بر همان بنیاد نظریه ارگانیک گسترش سرمایه و جهانی شدن آن و در همان روند تکاملی تضاد اساسی دوران - تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاریایی توانست تغییرات بزرگی در اوضاع جهانی بوجود آورد. پیروزی انقلاب چین یکی از آن دستاوردهاست که به نوبه خود بار دیگر جهان را به لرزه در آورد. ماهیت این پیوند جنبش کارگری و سوسیالیستی با جنبش‌های توده‌های ضد امپریالیستی و آزادی خواهانه در اینست که با هر پیشروی کارگری، از چین گرفته تا هندوستان، ایران و در آسیا، هر پیشروی نیروهای ضد استعماری و ضد امپریالیستی در حیات خلوت امپریالیسم آمریکا، - آمریکای لاتین و هر گامی به جلو در مبارزه‌های بخش خلق‌های ستمدیده آفریقا، همه و همه در این دوران تاریخی "امپریالیسم و انقلابات پرولتاریایی" به خیزش

کارگران و حقوق‌بگیران در بخش‌های مختلف اقتصاد از صنعت بزرگ همچون پتروشیمی، هپکو، آذراب، نیشکر هفت‌تپه، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، فولاد خوزستان و ... تا معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و زنان به اشکال و طرق مختلف مبارزات خود را به پیش برده و مخالفت خود را با سیاست‌های خشن و نئولیبرالی دولت و حاکمیت نشان داده‌اند که در این میان می توان بطور ویژه از مبارزات خستگی‌ناپذیر کارگران هفت‌تپه یاد کرد که مسائل مهم و پایه‌ای چون خصوصی‌سازی، اختلاس‌های بزرگ سهامداران و صاحبان اصلی هفت‌تپه را در سطح جامعه مطرح کرده و در مقابل، از نقش کارگر در تصمیم‌گیری‌ها و اداره شورائی سخن گفته‌اند. مبارزاتی که از جانب هم طبقه‌ای‌های آنان در اقصی نقاط جهان مورد حمایت قرار گرفته است. تا آن جا که بارها شاهد بیانیه‌ها و کمپین‌های حمایتی از جانب کارگران، سندیکاها و اتحادیه‌های بزرگ کارگری در نقاط دور و نزدیک جهان بوده‌ایم.

"اتحاد طبقاتی ما و متحدانمان می تواند پیام آور جامعه ای عادلانه و آزاد باشد و این کشتی طوفان زده را به ساحل بنشاند. برای اینکه قدمی در راه حصول مطالبات مشترکمان برداریم نیازمندیم تا تشکیلات کارگری را در همبستگی با هم برپا کنیم و دستاوردهای عظیم جنبش کارگری جهان را نقطه آغاز قرار دهیم. در طول این تاریخ پر غرور برای مطالباتی نظیر کاهش ساعات کاری یا بیمه و حقوق شناخته شده ای مثل تشکل یا حق برگزاری مجمع عمومی، خون‌های زیادی ریخته شده و اجازه نمی دهیم که این دستاوردها به فراموشی سپرده شوند. این تاریخ ثابت کرده است تنها نیرویی که می تواند پرچم دار عدالت اجتماعی در جامعه باشد، طبقه کارگر متحدی است که کمیته‌ها و شوراهای سرتاسری اش به همین منظور قد علم می کنند. ما کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران (اهواز) با این چشم انداز علیه ظلم و بیداد می جنگیم و برای سقف مطالبات کارگری اعم از مسکن و رفاه همگانی، بیمه بیکاری و درمانی مکفی، اعتراضات و اجتماعات آزاد، آموزش رایگان و امنیت شغلی هم پیمان می شویم و در کوره های ذوب آهن بر مشتهای فولادین خود حک می کنیم تا در مسیر لغو استثمار انسان از انسان دست از سازماندهی و مبارزه طبقاتی بر نداریم. ما کارگران آهنیم، ریشه ظلم رو می کنیم.

"آترناتیو ما کارگران در ایران، یک آترناتیو است که منافع تمامی کارگران و زحمتکشان و مزد بگیران و فرودستان جامعه را فراهم کند،

تجارب خود را به درون جنبش کارگری ایران آوردند و توانستند در همان سال‌های اولیه حرکت صنعتی شدن به برکت صنعت پیشرفت زمانه نفت و رشد سرمایه‌داری جنبش کارگری را متشکل و سازمان دهند و طبقه کارگر را متشکل با برنامه ای آترناتیو در برابر قدرت سیاسی فئودالی - سرمایه‌داری، تحت رهبری حزب کمونیست ایران قد علم کند. از آن زمان تا بحال مبارزه میان دو راه و دو سرنوشت در برابر مردم قرار گرفته است: راهی که کارگران آگاه و روشنفکران کمونیست در کنگره اول حزب کمونیست ایران در سال هزارویسصد در بندرانزلی نشان دادند و راهی که کودتاگران طرفدار آن امپریالیسم انگلیس رضا خان میر پنج در پیش گرفتند که ایران امروز نتیجه آنست. پیروزی راه کودتای امپریالیستی انگلیسی، هزارو دو بیست و نود نه، هزار سیصد و سی دو آمریکائی و پیاده کردن پروژه نشست قدرتهای امپریالیستی در گوادولپ راهی خونین و سرکوبگرانه که آگاه‌ترین، بهترین و از خود گذشته ترین فرزندان زن و مرد را به خشن‌ترین وجهی سرکوب کرده و دیکتاتوری راست فاشیستی در پوشش‌های ملی گرائی و اسلام گرائی ضد کارگری را اعمال کرده است. اما مگر نه اینکه هر جا ستم هست آنجا مقاومت هست. انسان چون انسان است، تن به خواری و ظلمت نمی دهد، طبقه کارگر چون استثمار میشود تا آن حد که امروز ما شاهد فقر و در ماندگی آنها برای حداقل احتیاجاتشان هستیم به مبارزه بر می خیزد. در طول این سالها جنگ ایران و عراق، پیاده کردن اقتصاد نئولیبرالیستی، سیاست تحریم‌های امپریالیستی که فشار روی زحمتکشان را بازهم بیشتر کرده است، بی کفایتی و بی شعوری قشر کوچک انحصارگر حاکمیت و سرکوب شدید کارگران بویژه در جلوگیری از متشکل شدن آنها لطمه بزرگی به پیشرفت جنبش کارگری زده است، اما دشمنان طبقاتی نتوانسته‌اند آنها را از پا در آورند. آترناتیو کارگری بنا بر ماهیت حق طلبانه و راستین بودنش همچنان افتان و خیزان زنده مانده است و جنبش کمونیستی و کارگری ایران پس از صد سال مبارزه در کارخانه‌ها، در کف خیابان‌ها، در کلیه جنبش‌های اجتماعی حضور دارند. و در چند دهه اخیر شاهد تشکل یابی طبقه در سطوح مختلف و در اشکال مختلف در برابر تشکلات دروغین خانه کارگر هستیم. نتیجه این خیزش نوین بیانیه نمایندگان کارگران ایران به مناسبت برگزاری اول ماه مه روز کارگر در صدمین سالگرد تظاهرات عظیم اول ماه مه ۱۳۰۰ بار دیگر طی بیانیه ای به روز شده چنین نوشتند:

کارگر، دانشجو اتحاد اتحاد



ایران به کدام سو می‌رود؟ این کاروان مردمی تاریخی پس از بیش از صدسال مبارزه آگاهانه، متشکل با آلترناتیوی در خدمت انقلابی ریشه ای برای رهایی اکثریت عظیم ستمدیدگان و استثمار شونده‌گان آیا می‌تواند جامعه کنونی را که رژیم جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه با تسلط اقتصاد نئولیبرالیستی کشانده نجات دهد؟ ما برآنیم طبقه کارگر ایران با صدسال مبارزه متشکل و فعالیت‌های بی وقفه در چند دهه اخیر زیر شدیدترین فشارهای سرکوب و امنیتی، با داشتن ده‌ها تشکل سیاسی با تجربه طولانی مبارزه که خود را جزوی از طبقه میدانند و در برنامه‌های خود راه سوسیالیستی و کمونیستی را آشکارا تبلیغ می‌کنند، با توجه به اینکه کلیه جنبش‌های توده‌ای دو دهه اخیر رو به جنبش کارگری دارند و مهمتر اینکه بورژوازی حاکم در این صد ساله که راه سرمایه‌داری را پیموده و در برابر اکثریت عظیم مردم دیکتاتوری اعمال می‌کند طبقه کارگر توانسته به این پرسش پاسخ درست و عملی دهد و در عمل راه را برای ادامه انقلاب با هدف برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار نظامی در خدمت اکثریت عظیم مردم نه مثنی کوچک، هموار سازد. امروز کارگران پیشرو و کمونیست‌ها بویژه جوانان زن و مرد که در چند دهه اخیر پا به میدان مبارزه گذاشته‌اند همچنان وفادار به آموزش‌های اساسی کمونیسم علمی روند تکاملی بحران زا و جنگ افروز سرمایه را دنبال کرده، تضادهای اساسی برخاسته از آن را باز شناخته و طبق شرایط مکانی و زمانی ایران بدور از هرگونه کپی بر داری براساس تحلیل مشخص از وضع و مکان مشخص پای در عمل برای رهایی از این نظام به پیش می‌روند. و می‌توانند به وظیفه تاریخی خود عمل کنند. این وظیفه را مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست چنین تعریف می‌کنند: پرولتاریای هر کشور باید در درجه اول به وظیفه کشوری خود یعنی مبارزه برای سرنگونی حاکمیت سرمایه‌داری خود بپردازد. در پیروی از این اصل اساسی علمی از آنجا که در جنبش کارگری ما و جهان انحرافات وجود آمده است کمی روی آن ضروریست مکث کنیم.

در جهان امروز و تغییرات شگرفی که در زمینه توسعه و گسترش نظام‌های سرمایه‌داری جهانی و نظام‌های گوناگون سوسیالیستی وجود آمده است تغییرات میان دو جانب تضاد میان دو طبقه متخاصم را چنان سرعت بخشیده که شناخت این تضاد اساسی و روند تغییرات دو جانب آن در سطح جهانی دارای اهمیت زیادی است. بویژه اینکه هنوز بر سر اینکه از میان تضادهای اساسی تعریف شده

عظیم انقلابی جهان علیه رویزونیسم مدرن و سوسیال شونیسم و امپریالیسم از یکسو و سرکوب شدید کمونیست‌های ایرانی توسط رژیم اسلامی از سوی دیگر. جنبش کمونیستی ایران توانست با تمام احوال روی دوپا مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی داخلی، استوار با هزینه‌های سنگینی با انحلال طلبی و نفی گرایشی بایستد. علفان هرزه در برابر کمونیسم علمی در این دوره بسیار سبز شد و ایدئولوگ‌های امپریالیستی در سطح جهانی پایان تاریخ را اعلام کردند تا افکار عمومی را برای طرح اقتصادی - سیاسی نئولیبرالیسم را با کودتا و انقلابات مخملی پیاده کنند و در سطح داخلی قدرت سیاسی اسلامی ضمن پراکندن ایدئولوژی اسلامی و شیوعگری در ادامه سیاست اقتصادی رژیم سابق هم راه وهم ساز با اقتصاد نئولیبرالیستی آمریکایی هرگونه فعالیت کارگری و توده‌ای مستقل از دولت را با زور دستگاه‌های امنیتی سپاه پاسداران و اطلاعات سرکوب کردند. نمایش‌های تلویزیونی فعالان سیاسی چپ، ترورهای زنجیره‌ای دگر اندیشان و قتل عام زندانیان سیاسی دهه شصت مثنی است در برابر سرکوب و جنایات دیگری که همچنان تا به امروز در برابر جنبش کارگری و کمونیستی و آزادیخواهی ایران ادامه دارد. اما کمونیست‌های وفادار به راه گلگون شده طبقه کارگر و کمونیسم با جمع‌بندی درست از اشتباهات، با تاکید روی دستاورد ها، با مبارزه با انحلال طلبی، نفی گری با درایت‌تر از گذشته به مبارزه ادامه دادند. امروز ما شاهد تغییرات عظیم جهانی هستیم؛ روسیه ذلیل شده‌ای که هیئت حاکمه آن تن به خفت دنبال روی از امپراطوری آمریکا داده بود و برای پیوستن به ناتو التماس می‌کرد امروز به مخالف سخت هژمون طلبی آمریکا تبدیل شده است. این چرخش بزرگ با مقاومت نظامی روسیه فدرال در برابر سیاست گسترش ناتو در اوکراین شاید چرخشی بسیار مهم در اوضاع جهانی پس از فرو پاشی دیوار برلین و تبدیل شوروی به کشوری دنباله رو امپراطوری آمریکا باشد. علاوه بر این، بار دیگر حزب کمونیست چین در سپهر جهانی با تعرضی همه جانبه حضور یافته و این دو عامل مهم باعث جان گرفتن دو باره گرایش جهانی **کشور ها استقلال، ملت‌ها آزادی و توده‌ها انقلاب** شده است. صدای پای مارش عظیم تاریخی کارگران در سراسر جهان طنین انداز است. جنایات ارتش ساخته و پرداخته امپریالیسم در غزه بار دیگر انسان‌های آزادی خواه جهان بویژه جوانان زن و مرد را به معترضان خیابانی تبدیل کرد.

پرولتری کشورهای متروپل امپریالیستی نیرو می‌بخشد و پیروزی جهانی پرولتاریا را نزدیکتر می‌سازد و غبار هرج و مرجی که نمایندگان انحصارات و مرتجعان با جنگ‌های ویرانگرانه، سرکوب و کشتار در سپهر جهانی برپا کرده کنار می‌زند. اما همانطور که در بالا تاکید شد دشمن قوی است و هنوز مسئله کی بر کی - سرمایه‌داری، نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی وابسته به آن از یکسو و سوسیالیسم، نیروهای کمونیستی، انقلابی و آزادیخواه از سوی دیگر که در برابر هم صف آرایی کرده‌اند حل نشده است. هنوز تضاد اساسی جهان بین دو طبقه بورژوازی و پرولتاریا همانطور که مانیفست حزب کمونیست تاکید دارد در جدالی تاریخ ساز پنجه در پنجه می‌جنگند. درک همه جانبه این تضاد اساسی، شناخت عمیق از ماهیت متخاصم بودن آن در مسیر طولانی مبارزه طبقه کارگر جهانی تا انتها، چگونگی روند تحولات درونی آن و روند تکاملی دو جانب این تضاد سرنوشت ساز مهمترین وظیفه هر فعال کارگریست. با سلاح نقد گذشته نه نفی مبارزات طبقه کارگر برای شناخت عمیق تر و جلوگیری از اشتباه در آینده. کمونیست‌ها و فعالان کارگری امروز ایران مسئولیت بزرگی را در این زمینه بعهده دارند چون پیش کسوتان آنها با اینکه هزارانشان در این راه جانشان را بی دریغ گذاشتند اما نتوانستند در برابر بورژوازی، شریک دزد و دوست قافله، آلترناتیو کارگری را تا به امروز به یک انتخاب عملی و خواست عمومی جامعه تبدیل کنند. آنها در زمینه‌هایی دچار سطحی گری شدند، الگو برداری کردند و دل به پیروزی سریع بستند و به نقش خانمانسوز شیوه تفکر خرده بورژوازی در صوف خود به اندازه کافی توجه نکردند. امروز طبقه کارگر ایران متشکل تر و با درایت‌تر از گذشته در صحنه مبارزه حضور دارد. باید برای رسیدن به درک عمیق تر این تضاد اساسی و در پرتو آن بار دیگر نقادانه و همه جانبه از پراتیک سخت، بغرنج و طولانی این دو طبقه پرولتاریا و بورژوازی جمع‌بندی کنیم. در جنبش کارگری و کمونیستی ایران مناسبات بین تضاد عام جهانی با تضاد خاص انقلاب ایران به درستی حل نشده است. باید بازتاب مشخص تضاد عام جهانی را با توجه به زمان و مکان مشخص ایران همه جانبه مورد بررسی قرار دهیم. بگذارید اشاره ای کوتاه به این نکته کنم تا کمی از تکرار فرمول وار این مقوله خلاص شوم.

در چند دهه آخر قرن گذشته با سلطه رویزونیسم خروشچفی بر حزب بلشویک و فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی و عقب نشینی حزب کمونیست چین پس از مرگ رفیق ماتسه‌دون از صحنه پر شور جنبش



کدامین تضاد عمده است گفتگو موجود است. همانطور که در بالا اشاره رفت، قدرت‌گیری امپریالیسم آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و تقسیم جهان به دو اردوگاه سرمایه‌داری و سوسیالیستی و پیروزی سرمایه با تسخیر قدرت در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شرایط را به سود سرمایه چنان دگرگون کرد که بورژوازی پایان تاریخ و قرن آمریکا را سکه زد. اما بحران ساختاری سرمایه‌داری در سال ۲۰۰۸ و سقوط ناگهانی بورس‌ها در جهان چنان لرزه‌ای را باعث شد که مجله تایم آمریکا در روی جلد خود با عکسی از مارکس نوشت "حق با مارکس بود". بحرانی که همچنان ادامه دارد و سرمایه‌داری نه تنها نتوانسته بر آن فائق آید بلکه در هر قدم به جلو و بویژه با دامن زدن به جنگ اوکراین و فشار بیشتر به کارگران به عمق بحران خود افزوده است. از سوی دیگر چین پس از بحران ساختاری ۲۰۰۸ آشکارا با گسترش میدان‌های رقابتی خود در سطح جهانی آلترناتیو خود را بدور از بحران ساختاری سرمایه‌داری به جهانیان عرضه نمود و هر روزی می‌گذرد با تمام تلاشی که آمریکا برای بازدارندگی اقتصاد چین می‌کند چین همچنان به پیش روی خود ادامه می‌دهد. **جی شی پینگ در دهمین سالگرد بریکس راه حل چین را در پاسخ به پرسش کدام راه را برای حل مشکلات جهان باید در پیش گرفت چنین بیان می‌کند:**

"دنیای معاصر دستخوش تغییرات همه جانبه، عصری و تاریخی در یک مقیاس بی‌سابقه‌ای شده است. بشریت برسر دوراهی سرنوشت سازی قرار گرفته که انتخاب کدام راه تعیین کننده می‌باشد؟ ادامه راه همکاری و یک پارچگی یا رو به تفرقه و تقابل بردن؟ راه صلح آمیز را ادامه دهیم یا به سمت یک جنگ سرد جدید حرکت کنیم؟ به مسیر گشایش به خاطر رونق یا فرو رفتن در باتلاق رکود ناشی از هژمونی و قلدری ادامه دهیم؟ در جریان تماس‌ها اعتماد متقابل را تقویت کنیم یا اجازه دهیم روح‌مان با غرور و تعصب فاسد شود؟ روند تاریخ در کدام جهت حرکت کند- به انتخاب ما بستگی دارد"

در گذشته هنگامی که حزب کمونیست چین تعرض مبارزه ایدئولوژیکی خود را علیه سوسیالیسم اروپایی تولیداتی رهبر حزب کمونیست ایتالیا و راه رویزیونیسم شوروی سه مسالمت آمیز را شروع کرد، جنبش کمونیستی نوین ایران ضمن همسوئی با آنها در مبارزه علیه رویزیونیسم به درستی مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی حاکم آنزمان ایران را مستقلن به پیش برد. دستاوردی مهم که با نقد سبک کار دنباله روی رهبری حزب توده ایران از حزب کمونیست شوروی انسجام

توده‌هاست. انقلابیون ایران در این صد ساله با هزینه‌های سنگینی راه‌های مختلف مبارزاتی را تجربه کرده‌اند ولی برنامه و سیاست‌های آنها تا بحال نتوانسته مورد تأیید اکثریت عظیم مردم قرار گیرد. تلاش پیشروان طبقه کارگر در ایران برای بردن سیاست‌های شکل گرفته از واقعیات جاری و از خواست‌های توده‌ها از جمله منشور ۱۲ نکته ای سال گذشته در جهت رفع این کمبود است که باید تقویت شود.

*دومین ویژگی، حاکمیت و مناسبات طبقاتی آنست. در این چندین هزار ساله سلطه‌شان به رعیت گشی و ستمگری زیر سایه خدا دست در دست مغان و ملایان پرداخته و همچنان در دوران سرمایه‌داری هم با سر بلند کردن استعمارگران و امپریالیست‌ها قدرت سیاسی را با ویژگی اتحاد اربابان رعیت دار، سرمایه داران کمپرادور با استثمار شدید کارگران زیر مشیت آهنین دیکتاتورهایی چون پهلوی‌ها و خمینی‌ها و خامنه‌ای‌ها سرمایه‌داری ویژه ایران را مستقر کرده‌اند. در نتیجه در پاسخ به دوستان و دشمنان انقلاب باید به این ویژگی توجه خاص شود و با تدبیر به نابودی یک به یک دشمنان پرداخته شود.

*سومین ویژگی بغرنجی آنست. در اکثر جوامع رشد نیروهای مولده سرمایه‌داری معمولن با دموکراسی شدن جامعه همراه میشود در حالیکه در ایران چنین اتفاقی نیفتاده است. در صد و اندی سال با اینکه مبارزه برای آزادی و دموکراسی توسط احزاب و سازمان‌های سیاسی و جنبش‌های توده‌ای و برجسته‌تر تلاش مداوم کارگران برای متشکل شدن جریان داشته است اما حاکمیت با چنگ و دندان هیچگونه روی خوشی به آزادی و رشد جامعه مدنی و قانون مداری آن نداده است و همچنان وظایف دموکراتیک جامعه لاینحل باقی مانده است. در نتیجه وظایف انقلاب را سنگین و صف آرائی طبقاتی را بغرنج کرده است. یعنی برنامه سیاسی طبقه کارگر را که سوسیالیسم است با مواردی که بورژوازی قادر به انجامش نبوده سنگین‌تر می‌کند.

با توجه به تضاد عمده کنونی جهان و ویژگی‌های جامعه ایران خط مشی سیاسی عام پرولتری ایران را که بتواند در بر گیرنده منافع اکثریت ستمدیدگان و استثمار شونده‌ها باشد و بتواند مناسبات تاکتیکی و استراتژی را به درستی حل کند چگونه باید ترسیم کرد؟ در عصر کنونی که تضاد میان حفظ طبیعت یعنی زمین مادر زندگی، فرزندان او کارگران و تولید کنندگان بر روی کره زمین از یکسو و مستی صاحبان سرمایه که بزرگترین ماشین دولتی و جنگی را در تاریخ

یافته بود. امروز هم باید این دستاورد پر ارزش استقلال و عدم وابستگی، اندیشیدن با مغز خود و حرکت از منافع طبقه کارگر ایران از موضع انقلابی پرولتری را همچنان چون مردمک چشم گرمی بداریم. چین و ایران دو کشور در حال توسعه اما در مرحله متفاوتی هستند و چگونگی خدمت پرولتری دو کشور به حل تضاد عمده جهانی فرق اساسی دارد. خروشچف دبیر اول حزب کمونیست شوروی هنگامی که تز سه مسالمت آمیز خود را مطرح کرد چوب دستی خود را هم بلند کرد تا کلیه احزاب کمونیستی را روی خط مشی عمومی سه مسالمت آمیز خود به صف کند. سازمان انقلابی حزب توده ایران درست با نقد تز سه مسالمت آمیز دنباله روی رهبری حزب توده را از خروشچف نادرست اعلام کرد. در مقابل حزب کمونیست چین به رهبری رفیق مائوتسه‌دون در آن زمان روی استقلال احزاب کمونیستی جهان پافشاری داشت و موکدا یاد آوری کرد طبقه کارگر هر کشور باید با حرکت از تضاد عمده جهانی و ارزیابی لینی دوران انقلابات پرولتاریایی طبق شرایط ویژه اجتماعی خود برنامه سیاسی خود را برای انقلاب کردن بریزد. هنگامی که هیئت نمایندگی سازمان انقلابی با او در سالگرد انقلاب چین اول اکتبر ۱۹۷۱ در پکن ملاقات کرد، در برابر پرسشی که از هیئت نمایندگی سازمان کرد که در چین چکار می‌کنید و پاسخی با مضمون اندیشه شما را مطالعه می‌کنیم شنید گفت " کار خوبی نمی‌کنید. رفقای چینی که به مسکو رفتند و تجربه شوروی را میخواستند در شرایط چین پیاده کنند خسارات زیادی به انقلاب ما زدند. شما باید به شرایط کشور ایران توجه داشته باشید"

خط مشی پرولتاریای ایران برای انقلاب کردن چیست؟

جای خوشبختی است کارگران ایران از اول زایش، تنگتنگ با انقلاب روسیه بر اثر مهاجرت به آنجا در میزان صد هزار نفری قرار گرفتند و با پیروزی انقلاب اکتبر و شرکت در جنگ داخلی و ناظر بر تحولات شدید آن سال‌ها از لحاظ کمی و کیفی به چنان رشدی رسیدند که در سال ۱۳۰۰ شمسی توانستند در بندرانزلی به نمایندگی از دو هزار عضو تشکیلاتی اولین کنگره حزب کمونیست ایران را برگزار کنند. از آن زمان تا بحال در این صد ساله طبقه کارگر ایران به بزرگترین نیروی اجتماعی تبدیل شده و جنبش کارگری و کمونیستی در مسیر طولانی مبارزه طبقاتی به سه ویژگی انقلاب ایران آگاهی بیشتر یافته است:

*مهمترین این سه نکته اهمیت نقش

حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین



هر چه بیشتر دشمن، دشمن قهار، حيله‌گر و قوی در نبردی سخت برای تقویت قدم به قدم نیروی کوچک کنونی انقلاب و بهم زدن توازن قوا میان دو طبقه متخاصم کنونی حاکم و محکوم باید بتواند دشمن را تا حد ممکن منفرد کند.

دیلم

شرایط مشخص تشکیلات خارج کشوری بود که توانست تا اندازه‌ای با موفقیت در آن زمان روبرو شود که خیزش جنبش‌های توده‌ای در سال‌های ۵۶ و ۵۷ روند اینکار را تغییر داد و علنی‌گری و کار پر سر و صدا جای کار مخفی با دید طولانی را گرفت، اما این وظیفه تابحال همچنان در دستور کار حزب رنجبران ایران قرار دارد.

مبارزه برای سازماندهی آلترناتیو کارگری در ایران ضمن تلاش برای تصحیح اشتباهات گذشته جنبش کمونیستی ایران در رابطه با نقش طبقه کارگر در ادامه انقلاب اجتماعی جاری پیش رو راه حلی است به حل درست مناسبات ویژه انقلاب سوسیالیستی کنونی ایران، مناسبات بین حزب سیاسی پیشرو طبقه و طبقه کارگر. از لحاظ جهانی نقد ایدئولوژی سکتاریستی و خود مرکزبینی خرده بورژوازی در صفوف جنبش کارگری و چپ ایران است و نقش کارگران و توده‌ها را که سازندگان واقعی و اصلی تاریخ اند برجسته می‌کند.

آلترناتیو کارگری در ایران برای اینکه بتواند در عمل به نیروی سازمانده واقعی انقلاب ایران تبدیل شود باید به تواند:

یکم

کلیه نیروهای متشکل کنونی کارگری را برای تحقق خواست‌های انباشت شده و بی جواب مانده جنبش‌های توده‌ای از جمله کارگران، بازنشستگان، معلمان و زنان زیر پرچمی متحد سازمان دهد. این جنبش سال‌هاست همچنان ادامه دارد اما متحد، متشکل و در نتیجه توده‌ای نیست.

دوم

به امر ایجاد حزب پیشرو طبقاتی خود با برنامه روشن سوسیالیستی به عنوان یک وظیفه مبرم و قابل تحقق برخورد کند. احزاب و سازمان‌های موجود کمونیستی و سوسیالیستی را در بر بگیرد و نیروی متحد و متشکل آنها را برای تحقق وظایف پیش روی آلترناتیو کارگری در اشل استراتژی بکارگیرد.

سوم

سه ویژگی جامعه ایران که در بالا بدان‌ها اشاره شد وظیفه سخت و بخرنجی را در برابر آلترناتیو کارگری قرار میدهد بسیج و متشکل کردن وسیع‌ترین نیروهای ستم‌دیده و استثمار شونده ضد نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و ضد امپریالیستی کار آسانی نیست. سپهر گسترده آلترناتیو کارگری را با گسترش شیوه‌های دموکراتیک، با شکوفا ساختن ابتکارات توده‌ها، با بکار برد خط مشی توده‌ای و اداره شورایی برای پیاده کردن وظایف و سیاست‌ها، در خدمت منفرد کردن

بشریت برای ادامه سلطه خود بوجود آورده و میلیارد‌ها انسان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند از سوی دیگر چگونه باید به مبارزه برای تغییر انقلابی این وضع پرداخت؟ به عبارت دیگر تضاد میان فرودستان میلیاردری جهان و مشتی کوچک صاحبان سرمایه که سیاست راست فاشیستی را به پیش می‌برند و سدی در برابر پیشرفت بشریت شده‌اند و سرمایه‌داری انحصاری با نمایندگان بی شعور ضد کارگری و کمونیستی خود در راس آنها امپریالیسم آمریکا نه تنها بشریت را به پرتگاه جنگ هسته‌ای می‌کشاند بلکه کره زمین را نابود خواهد کرد چه اقدامی باید انجام داد؟

کشتار بی رحمانه توده‌های ستم‌دیده فلسطینی توسط ارتش اسرائیل با پشتیبانی همه جانبه امپریالیسم آمریکا گواهی است بر این حقیقت که چنانچه همه جانبه در برابر این بی شعوران راست فاشیستی مقاومت نشود سرنوشت شوم و تاریکی را بشریت مترقی در پیش دارد. خاورمیانه امروز در مرکز این جدال بزرگ قرار گرفته است ایران یکی از کشورهای مهم این منطقه است با ویژگی‌های خود که در این جدال سرنوشت ساز شرکت دارد. در نتیجه پاسخ درست کارگری به پرسش چه باید کرد برای نیروهای سوسیالیستی و آزادیخواه ایران به حادترین مسئله روز تبدیل شده است.

آیا مبارزه برای سازماندهی آلترناتیو کارگری

جوابی است به این پرسش؟

بیش از یک قرن مبارزه درخشان طبقه کارگر ایران را احزاب و سازمان‌های چپ تا بحال هر کدام به نوعی به نام خود سکه زده‌اند. درست بدین خاطر در روند شکل‌گیری و رشد سرمایه داری که گورکن خود را بدست خود تولید کرده است نقش پر قدرت کارگران، تشکل یابی آنها بعنوان یک آلترناتیو طبقاتی نادیده گرفته شده است. البته این کمبود تنها مختص ایران نیست ناخوشی مزمی است همگانی که احزاب و سازمان‌های کمونیستی بطور عمومی دنبال کرده‌اند. احزاب و سازمان‌های چپ ایرانی جدا از جنبش‌های توده‌ای کارگری باید برای تصحیح این اشتباه تاریخی خود راه حل‌های عملی را جستجو کنند. سازمان انقلابی حزب توده ایران در اواخر دهه چهل با نقد راه مبارزه جدا از توده‌ها چون عمدتاً اعضای آنرا محصلین و دانشجویان متعلق به طبقه غیر کارگری تشکیل می‌دادند برای پیوند با جنبش کارگری تلاش کرد و توانست کادرهای خود را به میان کارگران مهاجر در خلیج فارس گسیل دارد و سال‌ها با موفقیت به این کار ادامه داد. بدون شک این کار سازمان انقلابی یکی از راه‌های مبتکرانه

جهنمی که سرمایه‌داری ...بقیه از صفحه ۱

درمانی و زیر ساخت‌های جامعه فلسطین با مدرنترین هواپیماهای جنگی آمریکا مشغول ویران کردن کل غزه و جامعه فلسطین است. میلیون‌ها نفر از مردم معترض و عدالت طلب و صلح دوست در اقصا نقاط جهان با تظاهرات‌های گسترده به نسل کشی اسرائیل در غزه اعتراض کردند ولی آمریکا و اتحادیه اروپا همچنان بر دفاع از رفتار جنایتکارانه اسرائیل با تخصیص بودجه و اسلحه و امکانات مهر تائید گذاشتند. اکثر کشورهای جهان در عین اعتراض به رفتار اسرائیل علیه ملت فلسطین ولی هیچگونه عکس‌العمل جدی برای جلوگیری از این نسل کشی انجام ندادند. امپریالیست‌های غربی تصمیم دارند که به شراکت در جنایت علیه ملت فلسطین از طریق حمایت از رژیم اسرائیل ادامه دهند. هزاران افغانی از پاکستان و ایران اخراج و به کشور افغانستان تحت حکومت سپاه طالبان فرستاده شدند. قبل از اخراج برخی از اخراج شدگان در پاکستان حتی وسایل زندگی آنها را با زور از آنها گرفته و بدون هیچ امکانی آنها را روانه مرز افغانستان کردند. افغان‌ها در دو کشور ایران و پاکستان یکی از مهمترین نیروهای کار برای رشد و ترقی این جوامع در چند دهه اخیر بوده‌اند. مردمی که اخراج شده‌اند با وضعیت بسیار بد انسانی روبرو شده‌اند و حداقل‌های زندگی در سر مرزهای ورودی وجود ندارد. مردمی که مجبور شده‌اند از کشور خود به افغانستان بازگردند با شرایط اقتصادی بسیار بد افغانستان به وضعیت و شرایط بشدت بدتری فرستاده شده‌اند.

دولت پاکستان که یکی از فاسدترین دولت‌ها است، خود دچار بحران اقتصادی و بیکاری گسترده است، سعی دارد بجای توسل به مدیریت اقتصادی و رفع کمبودهای اجتماعی، فشار و بحران را با اخراج پناهندگان افغانی تخفیف دهد. در عین حال دولت پاکستان که خود به رشد طالبان و به عنوان بازوی

آتش بس فوری پا پیدار در غزه



سرمایه‌داری علیه مردم و بخاطر سود و غارت به راه انداخته‌اند. علاوه بر آن پیشبرد جنایات جنگی از جمله نسل کشی، قتل عام، آواره گی دسته جمعی همراه رقابت‌های جنگی، با فراخوان اتحادیه‌های کارگری و کشتی‌رانی ایالت نیوساوت ولز استرالیا در دفاع از جنبش فلسطین در روز شنبه ۱۱ نوامبر در برابر بندر بات‌نی سیدنی استرالیا یک تظاهرات برگزار شد. در پایان این تظاهرات که به اعتراض به ورود کشتی‌های اسرائیل و معاملات اقتصادی با صهیونیست بود؛ کارگران بندرگاه بعد از پایان کار با تظاهرات که در کنار بندرگاه بود، با سر دادن شعار، همبستگی خود را نشان دادند.

تحولات جهان با شدت و حدت بی سابقه شتاب گرفته است. گرسنگان گرسنه‌تر و ثروتمندان ثروتمندتر شده‌اند و بطور روزمره اختلاف طبقاتی در حال عمیق‌تر شدن است. در عین حال هنوز تضاد های قدرت‌های بزرگ جهانی به سطح رو در رویی مسلحانه نرسیده و در سطح جنگ‌های نیابتی جلو رفته که ما شاهد تکان‌های شدید اقتصادی به کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و گرانی اجناس و کالاها، کاهش قدرت خرید مردم و رشد اعتراضات هستیم.

موسسه صلح استهکلم که بودجه‌های آمار نظامی جهان را منتشر می کند، برای سال ۲۰۲۳ بودجه ۱۰ کشور اول جهان در مجموع بیش ۱/۵ تریلیون دلار آمریکا برآورده کرده است که نزدیک به ۷۴ درصد کل بودجه نظامی جهان است به عبارت دیگر نزدیک به ۲ تریلیون دلار از بودجه دولتی و مالیات های مردمی که عمدتاً از قبل غارت منابع طبیعی و انسانی (ارزش اضافی نیروی کار) در جهت جنگ و کشت و کشتار دزدیده شده است، صرف جنگ و نظامی‌گری می شود. همزمان بودجه کل هزینه‌های بهداشتی ۶۶۵ میلیارد دلار و آموزش و پرورش ۴۴۷ میلیارد دلار می باشد. مقایسه سه آمار بالا در زمینه جنگ بهداشت و آموزش و پرورش نشان می دهد که سرمایه‌داری بیش از هر زمان دیگری در جهت کسب سود و رقابت تمرکز خود را بر سرمایه‌گذاری در زمینه نظامی گذاشته است. و از دیگر خدمات اجتماعی کم و یا آنها را حذف کرده است. کافی توجه کنیم که آمار خودکشی در کشورهای مختلف جهان بین ۵ تا ۱۵ در ۱۰۰ هزار نفر است که خود فاجعه‌ای در جوامع بشری تحت سیستم سرمایه‌داری است.

تعداد پناهندگان جهان در سال ۲۰۲۲ به رقم بی سابقه ۱۰۸.۴ میلیون نفر است، تعداد گرسنگان جهان را آمار سازمان خوار و بار جهانی سازمان ملل (فائو) برای سال ۲۰۲۳

کارگران در بنگلادش برای شرکت های فراملی مانند نایک با کمتر از روزی دو دلار کار می کنند.

کارگران شرکت‌های کشتیرانی در برخی از کشورهای اروپایی در دفاع از مردم فلسطین حاضر به بارگیری اسلحه و ابزارهای نظامی به کشتی‌های اسرائیل نشدند.

سیل‌های اخیر در ایران و بخش‌های دیگر جهان باعث کشته شدن و ویرانی و خانه خرابی و از بین رفتن محصولات کشاورزی و غیره شده است که عمدتاً از تغییرات اقلیمی ناشی می شود که فعالیت‌های حریصانه سرمایه‌داری عامل اصلی آن هستند. این تغییرات اقلیمی به خطری جدی برای کل بشریت تبدیل شده است. ادامه وضع کنونی بسیاری از فرصت‌های زیست محیطی و انواع مختلفی از گونه‌های گیاهی و جانوری را از بین برده و کل بشریت را با بیابان زایی رو به رشد روبرو کرده است. سیل‌های بنیان کن همراه با گرمای شدید و آتش سوزی جنگل‌ها، خشک سالی‌های متعدد، از بین رفتن آب‌های طبیعی و آلوده کردن آنها توسط صنایع و آلودگی هوای کل کره زمین، از دیگر عواملی است که زندگی بشریت را بسوی تنگناهای بدون بازگشت رانده است. آلودگی محیط زیست به رشد بیماری‌های سرطانی، پوستی و غیره انجامیده است و بهداشت عمومی را با خطر روبرو کرده است. تا به حال کنفرانس‌های زیست محیطی بعلت حرص و طمع شرکت‌های فراملی و دولت‌های متبوعشان نتوانسته است که یک جواب هماهنگ و جدی به این معضل طبیعی بدهد.

امروزه در تمامی تظاهرات‌های جهان در اعتراض به وضع موجود یکی از درخواست‌های جدی از طرف مردم و محققین طبیعی خواست توقف آلودگی محیط زیست و عدم بهره برداری افسار گسیخته از منابع طبیعی و غارت آنهاست.

در جهان کنونی نقاطی که در حال جنگ داخلی و منطقه‌ای ... هستند به بیش از ۵۰ کشور می رسد که مهمترین آنها درگیری بین اسرائیل و فلسطین، روسیه و اوکراین، کردها با کشورهای ایران و عراق و ترکیه، بلوچستان با ایران و پاکستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان، بین یمن و عربستان، سوریه و گروه‌های جهادی با آمریکا و اسرائیل، بین سودان جنوبی و شمالی، بین گروه‌های متخاصم در لیبی، بین بوکوحرام و نیجریه و.... گنگ‌های رسمی در آمریکای لاتین و.... می باشد که باعث آواره شدن ۸۰ میلیون نفر شده است. مناطق جنگی هم یکی دیگر از شرایط جهانی است که کشورهای

عربستان و آمریکا در تغییرات افغانستان نقش مهمی ایفا کرده است؛ خود به مشکلی به نام طالبان پاکستان برخورد کرده است که همزمان با مبارزه مردم بلوچ پاکستان، تنش‌های اجتماعی ناتوانی دولت در حل معضلات بالا را آشکارا نشان می دهد. پاکستان که از دولتی دارای بمب‌های اتمی برخوردار است ولی قادر نیست کمترین امکانات اجتماعی مانند بهداشت و تحصیلات رایگان را در اختیار مردم قرار دهد.

زلزله افغانستان که باعث کشته شدن هزاران نفر شده است؛ همچنان بدون کمک‌های انسانی به سوی فاجعه‌ای اسفناک‌تر پیش می رود در سرمای زمستان هنوز هزاران نفر بدون هیچ سرپناهی شب را به سر می برند. کمک‌های انسانی به هیچ وجه کفاف حداقل زندگی را نمی دهد. جامعه افغانستان با حضور طالبان به طرف یک بحران شدید اجتماعی پیشرفته و اخراج و زلزله و درگیرهای نظامی با نیروهای مقاومت اخیر به بحران‌های پیشین افغانستان افزوده و کمک‌های سازمان ملل به هیچ وجه قادر به حل فاجعه انسانی که در راه است، نیست. افغانستان به جهنمی برای مردم تحت رهبری طالبان تبدیل شده است.

هزاران تن از باننشستگان در شهرهای مختلف ایران در رابطه با وضعیت گرانی و پائین بودن حقوق باننشستگی دست به تحصن و اعتراض زدند. که باعث دستگیری فعالین این جنبش در شهرهای مختلف شده است. با گرانی سرسام آور قیمت ها و دزدی‌های میلیاردی از صندوق باننشستگی و فسادهای مختلف مالی در این موسسه، هر روز وضع باننشستگان در ایران بدتر می شود. آنها در زندانی به نام فقر و کاهش روز افزون درآمد، بیش از پیش ماهیت ضد مردمی دولت جمهوری اسلامی را شناخته و بخاطر احقاق حق شان از پا ننشستند. کارگران نفت، پتروشیمی نیز در چند روز اخیر به اعتصاب پیوستند. کارگران پروژه ای قبلاً بارها اعتصاب کرده بودند ولی این بار بخشی از کارگران استخدامی هم در اعتراضات شرکت داشتند که نشان از فشار بیش از پیش دولت به کارگران در رابطه با پائین نگه داشتن دستمزدها و حقوق‌هاست. در ایران روزانه اعتصابات کارگری به ۶ می رسد.

ماه گذشته هزاران نفر از کارگران خودرو سازی در آمریکا دست به اعتصاب زدند، افزایش دستمزدها ناشی از تورم عمومی از جمله درخواست‌های آنان بود.

کارگران فلز کار شرکت تسلا سوئد دست به یک اعتصاب در جهت اضافه دستمزد و رد قراردادهای موقت شدند.



بطور میانگین ۷۳۵ میلیون نفر اعلام کرده است که جنگ اوکراین آنها را تشدید هم کرده است.

تعداد کودکان کار برای سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ بر طبق آمار یونیسف ۱۶۰ میلیون نفر بوده است. رادیو آزادی به نقل از سازمان ملل تعداد معنادار به مواد مخدر در جهان را ۲۷۵ میلیون نفر ذکر کرده است.

سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد که تقریباً از هر سه زن در سراسر جهان، یک زن در طول زندگی خود مورد خشونت جسمی یا جنسی قرار گرفته و این رفتار فراگیر در طی همه‌گیری کرونا نیز افزایش یافته است.

آمارهای بالا همچنان نشان می‌دهد که جنگ کنونی که به عنوان جنگ‌های داخلی و چه نیابتی، امپریالیستی شناخته شده است، آمارها از نابرابری عظیم جامعه بشری در زمینه‌های مختلف را نشان می‌دهد که اساساً از تضاد بین نیروهای کار و سرمایه نشأت می‌گیرد.

جهنمی که سرمایه‌داری در جهت سود و قدرت برای بشریت بوجود آورده است باعث شده است که توده‌های کشورهای جهان بیش از گذشته به خیابان بیایند و صدای اعتراض خود را علیه انواع و اقسام نابرابری‌های اجتماعی رساتر کنند و رژیم‌های سرمایه‌داری را به چالش بکشند. دروغویی، افکار سازی و تحمیق دائمی اکثریت مردم جهان توسط رسانه‌های قدرت‌های امپریالیستی و دولت‌های مرتجع جهان برای مردم روشن شده است. هر روز که می‌گذرد با بحران‌های روبروی مردم جهان، سرمایه‌داری بیش از پیش برای فرار از جوابگویی به جنایاتش به پشت پرده رسانه‌ای کشیده می‌شود. دوران جدیدی شروع شده است که مشخصه آن بی‌اعتمادی بخش اکثریت جهان به سرمایه‌داری و دولت‌هایشان است. تظاهرات‌های میلیونی اخیر نشان داده است که هر تظاهراتی که به گروه‌های بزرگ تبدیل می‌شود یعنی نبض جامعه معترض را بصورت اکثریت در پشت سر خود دارد. تظاهرات‌های چند صد هزار نفره در دفاع از ملت فلسطین و هزاران کارگری که روزانه در سطح جهانی دست به اعتصاب و تحصن می‌زنند. چنین مفهومی را در خود نهفته دارند. اعتماد به نیروی خود، استفاده بهینه از مدیاهای آنلاینی، علیرغم سانسور رسانه‌ای هر روزه بهتر می‌شود و فعالین اجتماعی از آن به نحوه بهتری استفاده می‌کنند. دنیای جدید راهکارهای جدید مبارزه با تکیه به اصول و قوانین پایه‌ای اجتماعی و تفکرات انقلابی را می‌طلبد. ما کمونیست‌ها که اصول کمونیسم را علمی می‌دانیم که همراه دیگر علوم تکامل می‌یابد بایستی به

عنوان پیشروترین عناصر، علیه جهنمی که سرمایه‌داری برای بشریت بوجود آورده است، بیش از گذشته به تلاش برای تغییر دنیای کنونی و ایجاد دنیایی بدون جنگ و کشت و کشتار و ناعدالتی و ستم و استثمار کمک کنیم.

دنیای کنونی به نقطه انتخاب بین بربریت سرمایه‌داری و سوسیالیسم نزدیکتر می‌شود ولی این تغییر بدون تلاش متحد کمونیست‌ها و احزاب متحد طبقه کارگر واقعیت مادی کنونی به آرزوی دیر و دور بدل خواهد شد.

ع.ع

به یاد یاران - شعر

به یاد همه یاران جان باخته در میهن و درگذشته در غربت، و به آنان که بیدارند و بر دارند!

من پرستویی را می‌شناسم که زهجرت به کاشانه ی خود باز نگشت
- زیر چنگال عقابی وطنش،
سایه گستر شد جغد شومی هم -

خسته از داغ زمان و سختی پروازهای

بی امان

گشت بر شاخه‌ی آبری آونگ

بال‌هایش مُناک، از بارش هجرت اَمّا...

پُر امید!

بال می‌کوبید به دیوار هوا.

آ...ی یاران شباب

یاد دارید که با شادی و شور

در رسیدن به سرِ قلّه نور

آهنگ سفر می‌کردیم ؟

ما که می‌دانستیم، پر خطر بود آن راه

اَمّا... پرتوان، بال زنان سوی افق می

رفتیم

ما که می‌پنداشتیم

روزی از آن روزها

کوله هامان پُربار از شادی و نور

دست هامان پُر گُل

لبخند زنان

باز خواهیم گشت

به کاشانه‌ی خود؛

ما گریزان بودیم،

از آن همه تاریکی‌ها.

ما که عاشق بودیم

تَنگ در زلفِ زمان چنگ زدیم.

آ...ی یاران شباب

من پرستویی را می‌شناسم

خسته از هجرت و درد

در تپه‌ی سَروستانی

در حاشیه‌ی سَرو بلندی خوابید.

من زخود می‌پرسم

که چرا غمگینم؟

من که خود می‌دانم

همگی رهگذریم، اَمّا ...

باز می‌اندیشم و می‌بینم

کاین غمگینی،

حاصل رفتن هم پرواز نیست!

نیز می‌دانم که ز ما، آنچه می‌ماند،

توشه‌ی تجربه و زندگی است.

ارمغانیست به آنان... که خواهند آمد.

آ...ی یاران شباب

من پرستویی را می‌شناسم که ز هجرت

به کاشانه‌ی خود باز نگشت

روزی از این روزها، خسته از داغ زمان،

در حاشیه‌ی سَرو بلندی

بال بر خاک نهاد.

یادگارش در دل...

کوله بارش اینجاست.

(عباس دهقان پنجم تیر ۱۳۹۰)

خورشیدی=۲۶ ژوئن ۲۰۱۱)



پیام تشکل های... بقیه از صفحه آخر

نگاهی گذرا به... بقیه از صفحه آخر

های مجزا و منفصل از همدیگر اعتراضات خود را به پیش ببرند. متصل شدن جنبش های اعتراضی به ویژه جنبش های کارگران، بازنشستگان، معلمان، زنان و سایر معترضانی که اکنون در خیابان حضور فعال دارند و یا در محل کار به تلاش های خود ادامه می دهند باعث تقویت هریک از آنها می شود و یک جنبش اجتماعی پر قدرت و متحدی به وجود می آورد که بهتر خواهد توانست اعتراضات مشترک را به پیش برد و به تحقق خواست های هر بخش یاری رساند. داریم. در این مبارزه به نهادهای رسمی، خانه کارگر و انجمن ها و شوراهای اسلامی و کانون های بازنشستگان که دستیاران دولت هستند هیچ نیازی نیست زیرا که این نهاد ها در مناقشات میان کارگران و کارفرمایان و دولت همیشه طرف دولت و کارفرما ایستاده اند، هرگز آنها را در صف خود راه نمی دهیم و فریب نمی خوریم. خواست افزایش مزد و مستمری کارگران شاغل و بازنشستگان، سختی کار، طرح طبقه بندی مشاغل، همسان سازی بر مبنای دریافت دستمزد و حقوق هایی که هزینه های یک خانواده ۴ نفره را تامین کند. (پایه مزد حداقل و مستمری ها نباید کمتر از ۳۰ میلیون تومان باشد). اجرای ماده ۱۰ نفتگران، استقلال صندوق های بازنشستگی و سازمان تامین اجتماعی و کنترل و نظارت نمایندگان منتخب بازنشستگان بر صندوق ها و سازمان تامین اجتماعی و سایر خواست ها و مزایای شغلی، خواسته هایی هستند که کارگران، بازنشستگان و معلمان به صورت مشترک از آن محروم می باشند. دست یابی به آنها نیز با مبارزه مشترک تامین می شود.

شاغل و بازنشسته اتحاد_اتحاد

۲۷ آبان ۱۴۰۲

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

گروه اتحاد بازنشستگان

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد

تشکل های کارگری

کارگران بازنشسته خوزستان

سناتور کمونیست: «یکمین و آخرین کار قانونی فاشیسم بود».

پس از اخراج سوسیالیست های رفرمیست در سال ۱۹۲۲، سه هفته پیش از «مارش به سوی رُم» فاشیست ها، توراتی و همسویانش در ۴ اکتبر همان سال «حزب سوسیالیست متحد» (PSU) را تشکیل دادند و جاکومو مائوتوتی (Giacomo Matteotti) را به دبیری حزب برگزیده بودند.

اندکی در باره جاکومو مائوتوتی:

او که یک مبارز سیاستمدار، روزنامه نگار و سوسیالیست بود، در روز ۲۲ که ۱۸۸۵ در یک خانواده سوسیالیست زاده شد. در سال ۱۹۰۷ در رشته قضایی از دانشگاه بولونیا فارغ التحصیل و سپس به حزب سوسیالیست ایتالیا پیوست و به زودی یک رهبر سیاسی شد؛ خواهان شرکت نکردن ایتالیا در جنگ ۱۹۱۴، فعال ضد جنگ و میلیتاریسم بود، از این روی از شهر خود پُلزینِه (Polesine) در شمال ایتالیا به منطقه ای کوهستانی در نزدیکی شهر مَسینا (Messina) در جزیره سیسیل برای سه سال تبعید شد؛ در همان جا در سال ۱۹۱۶ با وِلیا تیتا (Velia Titta) نویسنده و سراینده رُمی که در سال ۱۹۱۲ با یکدیگر آشنا شده و رابطه داشتند، به گونه مدنی (غیر مذهبی) ازدواج کرد.

مائوتوتی یکمین بار در سال ۱۹۱۹ و سپس برای دومین بار در سال ۱۹۲۴ نماینده مجلس شد. رفقای حزبی نام «توفان» را به او لقب داده بودند، از آن روی که مبارزی سخت، پُرشور، استوار بر باورهایش، ضد سازش کاری و ضد فاشیست بود؛ او قوانین بسیاری را به مجلس برده بود و از آغاز مبارزه سیاسی اش مسئولیت های گوناگون مدنی و سیاسی را بر عهده داشت و چندین کتاب در زمینه های گوناگون و همچنین در بررسی ماهیت و کردار فاشیسم و برعلیه آن نوشته است.

در روز ۳۰ مه ۱۹۲۴ مائوتوتی، هنگام سخنرانی اش در مجلس، به تقلب های برنامه ریزی شده در انتخابات ۶ آوریل و خشونت و تجاوز از سوی فاشیست ها سخت تازید. همچنین از دیرباز با انتقاد از توراتی درباره موضع نگرفتن و بی عملی در مقابل فاشیسم، نادرستی و شکست خط سیاسی چند ساله او در جدال سختی بود، وی را سرزنش می کرد که مصمم بودن و جرأت جوانی خود را از دست داده است.

۱۰ روز پس از آن، در دهم ژوئن، از سوی یکی از دسته جات فاشیستی، به سرکردگی امریکو

پیروانش، آشکارا و پنهانی، به ویژه از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ مسئول یورش به روزنامه ها، گروه ها، تشکیلات ها و کشته شدن انبوهی از مخالفان حزب فاشیست بودند، اما اکنون آشکارا شمشیر را از رو بسته بود. اشاره کنیم که تنها در سال ۱۹۲۱ دسته جات عملیاتی فاشیستی به ۱۷ چاپخانه، ۵۹ «خانه مردم»، ۱۱۹ «اتاق کار» سندیکایی، ۱۰۷ تعاونی، ۸۳ «انجمن کشاورزان»، ۱۴۱ دفتر مکان اجتماعی سوسیالیستی، ۱۰۰ مجتمع فرهنگی و ۵۳ مکان گردهمایی کارگران یورش برده بودند و تنها در این سال ۵۰۰ (پانصد) کشته و هزاران زخمی به جای گذاشته بود.

این دسته جات که پایه های حزب فاشیست بودند، به نوبه خود «میلیشیا داوطلب برای امنیت ملی» را در سال ۱۹۲۳ برپا کردند؛ بیشترین اینان عقده ها و سرخوردگی هایشان در نارضایتی از نتیجه جنگ یکم جهانی و سر بلند بیرون نیامدن، خفت و خواری، فقیر شدن در دوره جنگ و بی ثباتی در امرامعاش سرچشمه می گرفت که در خشونت و تجاوز و کشتار سرمایه گشود. این خطر همیشه درباره شکست خوردگان و محروم شدگان در کمین است، که در عدم برخورد اصولی و برگزیدن راه درست، در زمان و شرایط مناسب به ستمگران تبدیل شوند. این تازه آغاز جنایت های آینده بود. در دوره تدارکات پیش از انتخابات ۶ آوریل سال ۱۹۲۴، (که آخرین انتخابات آزاد با شرکت همه احزاب و نیروها بود) با توجه به پراکندگی های سیاسی و تشکیلاتی، نبودن جبهه یکپارچه مخالفان، سُستی های میانه روها و بورژوازی همراه با پشتیبانی و همکاری های آشکار و پنهان و... و از آن روی که بنیتو موسولینی به برتری خود باور داشت، قانون تازه ای را درباره انتخابات بدین گونه به تصویب رساند: دو سوم کرسی های مجلس به اکثریتی که دست کم یک چهارم (۲۵٪) آراء را به دست آورد، داده خواهد شد.

کارزار تبلیغاتی انتخابات در محیطی با تشنجی بی سابقه، همراه با تهدید و کتک زدن برگزار شد و در پایان، «لیست ملی» به سرکردگی موسولینی، اکثریت مطلق را با بیش از ۶۰٪ آراء به دست آورد.

به گفته فرانچسکو رندا (Francesco Renda)

اعتصاب حق مسلم کارگران است



قوانینی که در همان روزها از سوی فاشیسم وضع شده بود پرداخت، همچنین در باره شرایط جامعه و فقر، به مخالفت ها و مبارزات چندین ساله کمونیست ها و پیش بینی هایشان در باره فاشیسم، که شوربختانه به واقعیت پیوست، و این که، استواری در مبارزه کمونیست ها در راه منافع طبقه کارگر بر علیه سرمایه داری و فاشیسم ادامه خواهد داشت. در این میان، پانزده بار موسولینی و یازده بار چهار نماینده همسویش با جملاتی جدلی در سخنرانی گرامشی دخالت کردند.

در پایان رئیس مجلس به گرامشی روی کرد که: «این مقوله را سه - چهار بار تکرار کرده اید....»

گرامشی پاسخ داد که: «برعکس! نیاز است که تکرار شود، بایستی تا رسیدن به حال تهوع گوش کنید. جنبش انقلابی بر فاشیسم پیروز خواهد شد.»

در یک سخن، گرامشی هويت خرده بورژوازی فاشیسم را به عنوان متحد و مبلغ زمین داران و صاحبان صنایع بزرگ، روشن کرد و در باره متحد پیشین حزب و با اشاره به گذشته سوسیالیستی موسولینی، با نیش زدن های سخت او را به تمسخر گرفت.

عباس دهقان

خاطرات ترزا نوجه.... بقیه از صفحه آخر

بود، گذاشته شد. آنچه به عهده من گذاشته شد، آموزش تاریخ کارگری بود. اما بدون کتاب انجام چنین کاری مشکل بود. تا وقتی که هوا خوب بود برای آموزش، در جنگل و در چمن زارهای اطراف اردوگاه دور هم جمع می شدیم. رفیق "لوشز" که خود اعتراف کرده بود که بحثها را خوب نمی فهمد، فقط در کلاس زبان شرکت می کرد و در مواقع دیگر نقش نگهبان را به عهده داشت و به محض این که سر و کله کسی پیدا می شد، چرخ می عقب می زد و خبرمان می کرد. در این وقت ما همه شروع به آواز خواندن می کردیم. طی آن مدت توانستیم سرودهای زیادی یاد بگیریم. من تعدادی از سرودهای قدیمی انقلابی و خلقی ایتالیایی را به خاطر داشتم همچون، "آدیو لوگانو بلا"،

همراه با زیر پا گذاشتن واقعه ماتتوتی بود؛ با این حال، در نیمه دوم سال ۱۹۲۴ با آنکه رژیم فاشیست سست و لرزان دیده می شد اما این اوضاع و کشته شدن ماتتوتی، آنچنان توراتی را تکان نداد که یکبار برای همیشه به مبارزه بر علیه فاشیسم پردازد، او هنوز در تله کژ دار و مریز و خواب و خیال های رفرمیستی شناور بود. برعکس، موسولینی کهنه کار خودشیفته و جاه طلب، سخت به حمله تبلیغاتی بر علیه جریان «کوآرتارلیست ها» (Quartarellisti) که کارت عضویت خود در «حزب فاشیست ملی» را پس از پیدا شدن پیکر ماتتوتی پاره می کردند، پرداخت و در این میان، گویا (به روایاتی گونه گونه که درستی آن هنوز تأیید نشده) چهل و یا سی و سه تن از نمایندگان «میلیشای فاشیست» به سرکردگی انسو امیلیو گلبیاتی، (E.E. Galbiati) در شب ۳۱ دسامبر سال ۱۹۲۴، که به شب سن سیلوسترو (San Silvestro) مشهور گشته، موسولینی را با تهدید زیر فشار گذاردند تا دیکتاتوری را برقرار کند وگرنه دولت او را سرنگون خواهند کرد. هرچند که نیازی به آن نبود، چرا که خشونت و استبداد در تن و روان موسولینی جای داشت.

در سوم ژانویه ۱۹۲۵ موسولینی مسئولیت هر آنچه را که اتفاق افتاده بود با سخنرانی اش در مجلس اینچنین به گردن گرفت:

« در رویاروی این مجلس و همه مردم ایتالیا اعلام می کنم و به گردن می گیرم که تنها من مسئول سیاسی، اخلاقی و تاریخی هر آنچه اتفاق افتاده هستم؛ اگر گفته هایی با کژی و یا مخالفت برای به دار زدن یک مرد کافی است پس تیر و طناب بیاورید! اگر فاشیسم روغن گرچک و باتوم بود، و نه یک شور و خواست افتخار آمیز بهترین جوانان ایتالیا، من مقصرم! اگر فاشیسم یک سازمان جنایتکار بود، من رهبر این سازمان جنایتکار هستم! اگر همه این خشونت ها بازده یک شرایط مشخص تاریخی، سیاسی و اخلاقی بودند، پس مسئولیت این با من است، چرا که این شرایط مشخص تاریخی، سیاسی و اخلاقی را من با تبلیغات و ترویج تا این دم پدید آوردم.»

این سخنرانی پیش درآمد دیکتاتوری آینده بود.

در روز ۱۶ ژانویه آنتونیو گرامشی در سخنرانی طولانی خود در مجلس به افشگری، تجزیه و تحلیل تاریخی، اجتماعی، کرداری، حکومتی و

دومینی (Americo Dumini) در بیرون از خانه اش ربوده شد. نیرو های اپوزیسیون در اعتراض به ربوده شدن ماتتوتی، در ۲۷ ژوئن، در اعتراض به این واقعه مجلس را ترک کردند و در تالار آونتینو (Aventino)، درون کاخ منته چیترئو (Montecitorio)، مستقر شده و اعلام کردند که تا انحلال «میلیشای فاشیست» و برقراری حکومت قانون، برنخواهند گشت. (این اقدام به «انشعاب آونتینو» مشهور است) برخی از اینان سیاستمداران با سابقه و وزرای پیشین بودند، چون: ایوانو بونومی (Ivano Bonomi) سوسیالیست رفرمیست، ویتوریو امانوله اُرلاندا (V.E. Orlando) حزب لیبرال دمکرات، آنتونیو سالاندا (Antonio Salandra) حزب لیبرال ایتالیا، با فشار بر روی پادشاه (V. Emanuele III) خواهان برکناری موسولینی شدند و جُوائی آمندلا (Giovanni Amendola) پیش بینی کرد که اوضاع بدی در پیش است اما پادشاه با اشاره و استناد به قانون اساسنامه پادشاهی ۴ مه ۱۸۴۸، مشهور به «اساسنامه آلبرتینو» (Statuto Albertino)، پاسخ داد:

«من کر و کور هستم. چشمان و گوش های من مجلس های سنا و شورا هستند» و از این روی هیچ اقدامی نکرد.

در روز ۱۶ آگوست ۱۹۲۴ دو ماه پس از ربوده شدن ماتتوتی، پیکر داغان شده او را در چاله ای در منطقه «کوآرتارلا» (Quartarella) در کناره شهر رُم یافتند.

پس از این وقایع، در روز ۱۲ سپتامبر، یک کارگر قالب بند و اسکلت ساز و فعال کمونیستی به نام جُوائی گُرو (Giovanni Corvo) به انتقام کشتن ماتتوتی، در ترام (قطار شهری) با فریاد زدن و شلیک سه گلوله آرماندو کازالینی (Armando Casalini)، نماینده مجلس، را از پای درآورد. کازالینی زاده ۱۴ ژوئن ۱۸۸۳ بود، در نوجوانی کارگر مکانیک بود و در مبارزات سیاسی «هفته سرخ» همراه با دوست خود پیرو نانی (Piero Nanni)، مبارز و رهبر سیاسی بنام، در سال ۱۹۱۴، که در آن زمان پیرو برنامه جمهوری خواهان بودند، شرکت کرده بود. کازالینی سندیکالیست و رهبر حزب جمهوری خواه بود اما در سال ۱۹۲۲ به موضع موسولینی نزدیک شد و حزب را ترک کرد. در سال ۱۹۲۴ خود را در «لیست فاشیست» کاندیدا کرد و سپس نماینده مجلس شد. کشته شدن او سهمی در متحد و محکم تر شدن اکثریت فاشیستی مجلس و دولت داشت که



کمونیستی در بین آنان مشاهده نمی شد. کسانی که جدیداً رسیده بودند فکر می کردند که مدت اقامت شان در "ریو کرو" موقتی است، که طبعاً چنین نبود. مدیر اردوگاه برای این که ما را بیش از پیش منزوی کند، تصمیم گرفت سیاسی‌های ایتالیایی را در یک اتاق دیگری بیندازد. در این صورت بود که اتاق ما تغییر کرد و ما را پیش "آنیتا" و "بالدینا" فرستادند. این تغییر درست روزی بود که یک کامیون تختخواب به اردوگاه حمل کرده بودند. در نتیجه ما سیاسی‌ها هم توانستیم تخت خواب داشته باشیم. تا آن زمان همگی روی حصیر می خوابیدیم که از آن تخت خواب‌ها بهتر بود. زمستان در میان کوه‌های "لوزان" فرا رسید. بعضی روزها میخ‌های دیوار اتاق یخ می بست و روی رو انداز تخت خواب، شب‌نم‌های یخ زده دیده می شد.

کی از روزها رفقای آلمانی با پیروزی اعلان کردند که در آینده نزدیک "فرانس داهلم" عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست آلمان از "ورنه" خواهد آمد. من خیلی خوشحال شدم، زیرا که او را از اسپانیا می شناختم. همین که "داهلم" آمد، خواست با من گفت و گو کند. او آشکارا گفت که نسبت به من اعتماد دارد و موضعی را که اتخاذ کرده ام تأیید می کند..... در خواست کردم جلسه عمومی تشکیل شود. این بیشتر به خاطر این بود که بلاخره برای یک بار هم که شده رهبری واحد بین‌المللی را تشکیل دهیم. در کمینه‌ای که تشکیل شد علاوه بر من و آلمانی‌ها، "پولین"، "ماتیلده" و "فرناند" از طرف فرانسوی‌ها، دو اسپانیایی و یک لهستانی هم عضویت داشتند. بدیهی است که حل برخی از مسائل به آسانی ممکن نبود..... یک روز به "آناماریا" خبر دادند که شوهرش آمده او را در ریو کرو" ملاقات کند...

"ما ریو" از طرف همه ما با خوشحالی بسیار استقبال شد. او به ما گفت که با کسب اجازه به این جا آمده است و به عنوان یک یهودی تقاضا کرده است که به آمریکا مهاجرت کند..... "ماریو" می خواست نقشه یکایک ما را در مورد مهاجرت او و "آنا ماریا" به آمریکا و "هاوانا" را بداند. نظر رفقا این بود که چه بهتر از امکانی که برایش به وجود آمده استفاده کند و برود. خبر دار شدیم که "برتی" هم به آسانی به آمریکا رسیده است و حالا دست به کار شده تا برای بقیه هم

و من می کردند، آن‌ها همچنان چشم براه دریافت رهنمود از تشکیلات خودشان بودند، زیرا معتقد بودند داخل اردوگاه مثل خارج آن نیست. به علاوه صحبت بر سر این بود که جنگ به زودی تمام خواهد شد

جنگ به هیچ صورتی تمام نشد. "ژوژو" گزارشی در حضور گروه‌های مختلفی که در اردوگاه بودند داد.... از این گزارش متوجه شدیم که فرانسه با آلمان تقاضای صلح کرده است. این در شرایطی بود که کشور به دو قسمت سیاسی تقسیم شده بود. دولت رادیکال سوسیالیست که از امضای تسلیم شدن خود داری کرده بود، این سر شکستگی را برای "پتن" و "لاوال" گذاشته بود. طبق شرایط صلح، در جنوب می باید یک جمهوری فرانسه "آزاد" - اما با همکاری آلمانی‌ها - که نمایندگی آن را "پتن" و "لاوال" داشتند ایجاد می گردید. در حالی که شمال فرانسه به اضافه پاریس از نظر اداری مستقیماً تحت اشغال آلمانی‌ها واقع می شد. اما فرانسه دیگری هم وجود داشت و آن فرانسه خلقی، کارگری و کمونیستی بود که هیچ گاه حاضر نمی شد تحت سلطه درآید و می خواست بجنگد. سربازان شکست خورده، کم کم می گفتند "سبیل خواهد آمد". پس از این که "ژوژو" رفت، در وضع داخلی اردوگاه تغییری حاصل نشد. بعد از آن، خبر وحشتناکی به ما رسید حاکی از این که آلمانی‌ها "گابریل پری" شوهر رفیق "ماتیلده" را تیرباران کرده‌اند. او مدیر مسئول "اومانیته" و یکی از بهترین روزنامه نگاران دنیا به شمار می رفت - او دستگیر شد، شکنجه دید و کشته شد. شنیدیم که "لترفرانسز" که نشریه ای مخفی از روشنفکران بود در ارتباط با این مرگ نوشته بود: "حماسه مرگ او فردا سروده خواهد شد". به "ماتیلده" چه می گفتیم؟ برای او چیزی جز محبت و همبستگی نداشتیم. خیلی زود به عزای ما عزای دیگری هم افزوده شد، پدر بچه رفیق اسپانیایی ما "پولین" به دست "فرانکیست‌ها" افتاد و به دست فرانکوی جانی کشته شد.

کمیسرهای کذایی فرانسوی، آلمانی خاصیتی از خود نشان ندادند. اما در این فاصله بعضی از زندانیان توانستند اردوگاه را ترک کنند. عده دیگری آمدند. بین آن‌ها مهاجرین ایتالیایی زیاد بود، اما هیچ

"اینو دئی پتسنٹی"، "جونتو ریبله" و "نینا نانا" علیه جنگ. "جولیتا" که صدای خیلی خوبی داشت به سهم خود به ما سرودهای فرانسوی را یاد می داد.

بدبختانه من صدایم بد بود، مثل صدای زنگ بود، ولی سرودها می باید به عنوان یک آموزش سیاسی مورد استفاده قرار می گرفت. برقراری ارتباط با پاریس و با اردوگاه‌های دیگر که رفقای ما در آنجا بودند کم کم به نتیجه می رسید. در "ریوکرو" همچون در "ورنه"، اعمال سانسور بسیار جدی بود. اما من فهمیدم که چگونه مطالب خود را طرح کنم که هیچگونه تردیدی ایجاد نکند. رفقا قول دادند که کتاب‌هایی برای ما بفرستند، ضمن اینکه آن‌ها به ما اطلاع دادند که از جانب "عمو موریس" و یا شاید "عمو ارنستو"، یعنی از حزب کمونیست فرانسه "موریس تورز" و حزب کمونیست آلمان "ارنست تائلمن" دیداری از اردوگاه صورت خواهد گرفت. "لونگو" و "ماریومونتانیانا" به ما اطلاع دادند که حالشان خوبست. "لونگو" از "جی جی" و "پوتیش" که در پاریس بودند خبر داشت..... "جی جی" پوتیش را پیش یک زن و شوهری پانسیون کرده بود و خودش به عنوان کارگر ساختمانی کار می کرد. او با "فرانکو" پسر "آنا ماریا" زندگی می کرد. احساس می کرد م مشکلات بچه‌هایم زیاد است. اما امیدوار بودم با کمک رفقا، بتوانند بر آن سختی‌ها غلبه کنند. با این که یکی ده ساله و دیگری شانزده ساله بود، امید داشتم بتوانند مشکلات زندگی غیر قانونی را در طول جنگ حل کنند.

اخبار دست اول دنیا از طریق رفیق "ژوژو" فانون" که اجازه ملاقات با یکی از زندانیان اردوگاه را داشت به "ریو کرو" آورده شد. "ژوژو" همسر "اتین فاژون" عضو دفتر سیاسی "حزب کمونیست فرانسه" و درعین حال نماینده مجلس بود..... در حقیقت "ژوژو" از جانب حزب وظیفه داشت که با ما رابطه برقرار کند و رهنمودهایی را به ما بدهد. او از اختلاف ما با آلمانی‌ها باخبر شده بود. حزب هم پی مسئله را گرفت و توصیه کرد در "ورنه" و همین طور در "ریوکرو"، یک واحد بین‌المللی ایجاد شود تا فعالیت‌ها را هدایت کند و در برابر مسائلی که در داخل و خارج از اردوگاه پیش می آید اتخاذ موضع کند. من و فرانسوی‌ها برای ایجاد یک رهبری واحد بین‌المللی موافق بودیم. رفقای آلمانی من



بجز نوشته‌هایی که با امضای تحریریه منتشر می‌گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می‌باشد، دیگر نوشته‌های مندرج در نشریه رنجبر به امضاهای فردی است و مسئولیت آن‌ها با نویسندگانشان می‌باشد.

با قدردانی از کمک‌های مالی رفقا و دوستان به حزب، ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که تکیه مالی حزب به اعضای و توده‌ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده‌ها

به تارنمای اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید
سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سفر "لونگو" برایش جشن بگیرند و سفر خوبی را برایش آرزو کنند. اما بنظرم چنین کاری اشتباه بود و "لونگو" تا زمانی که از مرز نگذشته بود در خطر بود. بنا بر این بهتر بود خداحافظی در خارج از اردوگاه صورت می‌گرفت. متوجه شدم که "لونگو" خود تمایل دارد چنین مراسمی برگزار شود تا همه رفقای ملیت‌های مختلف بتوانند با او به عنوان رهبر سیاسی و به عنوان یک افسر ارشد "بریگادهای بین‌المللی" به طور رسمی خداحافظی کنند. احساسات او را درک کردم و در جلوگیری از انجام این کار پا فشاری نکردم. "لونگو" به اردوگاه رفت و دیگر برنگشت. بعدها از شوروی ها شنیدم که "لونگو" روز بعد، درست در لحظه‌ای که می‌خواست از اردوگاه خارج شود دستگیر شد. این دستگیری احتمالا به دنبال درخواست مقامات ایتالیایی باید صورت گرفته باشد.

کنسول شوروی اصرار می‌کرد پیش بچه‌هایم به مسکو بروم تصمیم گرفتیم روز بعد صبح اول وقت به سفارت شوروی به سفارت شوروی برویم، به این امید که هرچه زودتر به سمت مسکو حرکت کنیم. اما روز بعد که ۲۱ ژوئن بود، گویی زنگ‌های خطر نابودی بشریت به صدا در آمده بود. وقتی که با "فرانکو" وارد مترو شدیم از حادثی که روی داده بود مطلع نبودیم. مسافرانی که روزنامه دستشان بود در گیر بحث و مبادله خبر بودند. تیترا اول روزنامه‌ها این بود: "نیروهای آلمانی به اتحاد جماهیر شوروی تجاوز کردند" من و "فرانکو" نمی‌خواستیم باور کنیم، چطور ممکن بود؟ مگر ممکن بود قراردادی که از نظر سیاسی موجب آن همه پیشداوری شده بود به هیچ دردی نخورد؟

خوشبختانه "فرانکو" دو سال از "جی جی" کوچکتر بود. رفقای ایتالیایی که در پاریس بودند توصیه می‌کردند که "فرانکو" به ایتالیا برود. به خصوص که تعدادی از خویشاوندان او در "تورینو" بودند. از جمله پدر و مادر مادری‌اش که یهودی نبودند و هرگز توجهی هم به مسائل سیاسی نداشتند..... و اما خودم چه می‌کردم؟..... بلاخره تصمیم گرفتم در مهاجرت برای "عمو موریس" کار کنم

لیلا مهرماه ۱۴۰۲

امکاناتی دست و پا کند.

در این اثنا خبری به دستم رسید که به من به عنوان مادر ضربه زد. "جی جی" و "پوتیش" عازم مسکو بودند. "جی جی" از فرانسه اخراج شده بود، اما نمی‌خواست به ایتالیا برود. او می‌دانست که بچه‌های داوطلبان "بریگادهای گاریبالدی" می‌توانند از مسکو تقاضای پناهندگی کنند. او به سفارت شوروی روی رفت و برای خودش و برادرش تقاضا کرد که بتواند دوباره به "میهن" اتحاد شوروی بازگردد.

در طی چند هفته، همه چیز آماده شد. "جی جی" به عنوان یک جوان خوب کمونیست به کمک رفقای پاریس کلیه کارهای لازم را انجام داد. در آستانه حرکت، "تولیاتی" که در مسکو بود به او وظیفه داد تا گزارشی از اوضاع سیاسی و فعالیت‌های رهبری خارج، با همان چیزی کمی که باقی مانده تهیه کنند. آموزش‌های زندگی غیرقانونی برای "جی جی" خیلی مفید بود. او تمام گزارش را بی آن که کلمه‌ای به روی کاغذ بیاورد به خاطرش سپرد. بعدها در این مورد به من گفت، همین که به "تولیاتی" گزارش کرد تمام اطلاعاتی را که موظف به انتقال آن بود از ذهنش پاک کرد.....

من، "آنا ماریا" و "بالدینا" باید خود را برای انتقال به "مارسی" آماده می‌کردیم، جایی که رفقا "ماریو" با "لونگو" و بقیه رفقا به آنجا منتقل شده بودند. هر کسی هم که قصد حرکت به آمریکا داشت باید از آنجا حرکت می‌کرد.....

در "مارسی" اجازه می‌دادند زندانیان از اردوگاه خارج شوند و شب دوباره به اردوگاه برگردند. امکان ملاقات هم موجود بود. کنسول شوروی به دیدنم آمد. او می‌خواست از حالم باخبر شود و در ضمن اطلاع دهد که از مقامات فرانسوی، نه تنها آزادی من و "لونگو" را، بلکه آزادی بقیه رفقای مرد و زن ملیت‌های مختلف را تقاضا کرده است. ما به عنوان سربازان قدیمی "بریگاد بین‌المللی"، می‌توانستیم در شوروی پناهنده شویم و می‌توانستیم خیلی سریع حرکت کنیم. به هر حال می‌توانستیم به یک هتل بروم. کنسول شوروی هزینه‌های لازم را برای تهیه برخی وسائل مورد نیاز مرا پیش بینی کرده بود. چون سر و وضعم ناجور بود یک روپوش مناسب و یک جفت کفش خوب خریدم

.....

آن شب رفقا می‌خواستند به مناسبت



پیام تشکلهای کارگری و بازنشستگان

کارگران و زحمتکشان تجلی یافته است. اعتراض علیه این شرایط حقارت بار که حاکمیت، دولت و سرمایه بر اکثریت توده های مردم اعمال می کنند، در تداوم خود دارای افق و خیزهایی بوده است که در مقطعی، به مبارزه مرگ و زندگی تبدیل شده است. ما اعتقاد داریم که این جنبش های اعتراضی و اعتصابی هدف مشترکی دارند و از این رو جدا جدا نتیجه مثبتی به بار نمی آورند. جریان های اجتماعی معترض نباید به صورت جزیره

زیر پوشش صندوق های دیگر هستند در صف معترضان قرار گرفته اند و برای نشان دادن نارضایتی خود به خیابان آمده اند. کارگران و بازنشستگان در تجمع و تظاهرات اعتراضی خود شعار می دهند: «تا حق خود نگیریم هر روز همین بساطه». گسترش این اعتراضات، واکنش به شرایط سخت زندگی و تبعیض و نابرابری های اجتماعی است که نمود و نشانه عریان آن در پایین بودن سطح مزدها، فقر و فلاکت روز افزون توده ها و استثمار و سرکوب

جنبش کارگران، متحد جنبش بازنشستگان و معلمان، پرستاران و کادر درمان است و باید از همدیگر حمایت کنیم! مبارزات کارگران، بازنشستگان و معلمان را با یکدیگر پیوند دهیم و اعتراضات مان را سراسری سازیم! کارگران شاغل در بسیاری مراکز کارگری به ویژه صنعت نفت، فولاد، پتروشیمی ها و معادن، مانند بازنشستگان تامین اجتماعی، کشوری، مخابرات، فولاد و سایر بازنشستگانی که

نگاهی گذرا به پیدایش فاشیسم در ایتالیا

شد، نتواند به شیوه معمول دفع کند، از این روی شلوار خود را کثیف می کرد و سپس او را به جلوی خانه اش می بردند تا مخالف مضروب بیچاره هنگام ورود در مقابل همسر و احتمالاً فرزندانش سر شکسته و تحقیر شود و در میان مردم این شعار را رواج داده بودند که «مخالف به خود ر... پس مرد نیست». هنوز تا این زمان گفتار «باتوم و روغن گرچک» یادآور کردار دسته جات فاشیستی آن دوران است. هر چند که پیش از این نیز، موسولینی و

این بود که دسته جات فاشیستی، که به «پیراهن سیاه ها» معروف بودند، مخالفان را شناسایی، تعقیب و دستگیر کرده و به گوشه ای می بردند، دست و پایشان را می بستند و همزمان با باتوم زدن، اندازه زیادی (۷۵ میلی گرم) روغن گرچک را با زور به آنان می خوراندند؛ این شیوه شکنجه تنها جسمی نبود بلکه شکنجه روانی را نیز بدین گونه به همراه داشت: اینان کمر شلوار در تله افتاده را چنان سخت می بستند که پس از خوراندن روغن، که طبیعتاً دچار اسهال می

نگاهی گذرا به پیدایش فاشیسم در ایتالیا و درس آموزی از مبارزات کمونیست ها و پارتیزان های ضد فاشیسم

بخش پنجم

همان گونه که در بخش چهارم سخن رفت، موسولینی با یاری همراهانش، از همان آغاز به قدرت رسیدن چهره خشونت بار خود را با دستگیری و زندانی کردن مخالفان خود، به ویژه کمونیست ها، عریان تر نشان داد. شیوه شکنجه بسیار رواج یافته آن دوره

خاطرات ترزا نوچه

سامان دهیم. به هر حال موفق شدیم یک کتاب دستور زبان فرانسه و یک لغت نامه پتی لاروس ایلوستره برای خودمان دست و پا کنیم، لغت نامه ای که در همه مدارس متداول بود. وظایف را تقسیم کردیم. تدریس زبان فرانسه به عهده "جولیتا" - که خود همچون "لا لوشز" و "ماریوت" مایل به آموختن زبان ایتالیایی بود- و کلاس ایتالیایی به عهده "آناماریا" که قبلا معلم

این خاطر بود که آنان به جای مطالعه و آموزش ترجیح می دادند که با هم قدم بزنند، به گردش بروند و گپ بزنند. حالا اشکال کار ما برای مطالعه، نداشتن کتاب بود. در اردوگاه کتاب های کمی موجود بود و در بین آن ها، کتاب های سیاسی اصلا وجود نداشت. حتی رفقای فرانسوی هم کتاب های سیاسی نداشتند. تصمیم گرفتیم از رفقای "گرو" و "ورنه" کمک بگیریم و تا رسیدن خبر به کارمان سرو

زنگ های خطر نابودی بشریت به صدا در آمده بود

در شماره گذشته در مورد بازداشتگاه "ریوکرو" و انتقال زندانیان به این بازداشتگاه و چگونگی زندگی در آنجا نوشته شد. اینک به ادامه زندگی در این بازداشتگاه پرداخته خواهد شد. "ترزا" در کتاب خاطراتش چنین ادامه می دهد: "تصمیم گرفتیم کار آموزش را شروع کنیم، زیرا که بخشی از دعوای و مخالفت ها به

با نشانی های زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخوانید:

بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضای فردی است و مسئولیت آن ها با نویسندگان شان می باشد.



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:
ranjbaran.org@gmail.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org